

آینه پژوهش

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی
سال سی و پنجم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۳ ISSN:1023-7992

۲۰۸

دوماهنامه
آینه پژوهش
۲۰۸

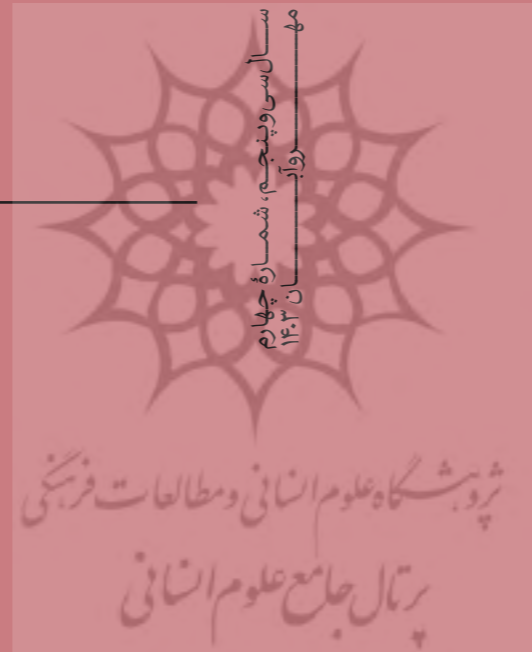
Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.4 Oct - Nov 2024

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

208

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



«مُقْبِلِ اَنَسْتِ كِه ...» (بازخوانی و تَصْحیحِ بیتی از مُفْرَدَاتِ سَعْدِی) |
گیبون، محمد (ص) و اسلام | چاپ‌نوشت (۱۵) | پاره‌ای از یک تفسیر
ناشناخته معتزلی، احتمالاً از سده چهارم یا پنجم هجری | میهمانان تازی
گوی فرهنگستان ایران | اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به
نشریات آن عصر (۱) | فارسیات | رباعیات منسوب به افراد خاندان جوینی
در منابع کهن | ناهیدن (اقتراحی درباره یک واژه دشوار و ناآشنا در
شاهنامه) | یادداشت‌های حاشیه متون فارسی و عربی (۲) | خراسانیات
(۱) | نوشتگان (۹) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۱) | طومار (۷) | درنگی بر
جدیدترین ترجمه انگلیسی کتاب شریف نهج البلاغه | حدود مفروض،
حدود ممکن، حدود مقبول | آینه‌های شکسته (۵) | بررسی فهرست
کتاب‌های فارسی چاپ سربی کتابخانه کنگره آمریکا | میرلوحی سبزواری
و جعل دو کتاب انیس المؤمنین و کفایة البرایا | شرح و تصحیح کلیله و
دمنه در بوتۀ نقد | **نکته، حاشیه، یادداشت**

پیوست آینه پژوهش | کلام شاهانه / ملوک‌الکلام، کتابی چنددانشی از عصر میانی قاجار

جویناچه‌نیش / رسول جعفریان |
مجید حبیبی / مرتضی کریمی‌نیا |
سیدمحمدحسین / احمد میرفتوحی |
رفیقه قزاق‌نسا / علی رحیمه / منوچهر و روزبه
دامغانی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی / سجاد
فرد / امید حسینی‌نژاد / میلاد بیگلری
آینلوا / امید حسینی‌نژاد / علی رادا / حبیب
اربابی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی / سید
رازی / تهران / سیدعلی کاشفی
خاندان / حیدر عیوضی / سیده
عزیزه / امیررضا / میرزا / علی عادل
زاده / امیررضا / حیدر عیوضی / سیده
عزیزه / امیررضا / میرزا / علی عادل
کاشفی / امیررضا / حیدر عیوضی / سیده
عزیزه / امیررضا / میرزا / علی عادل



Jap.isca.ac.ir

درنگی بر جدیدترین ترجمه انگلیسی کتاب شریف نهج البلاغه

نقد ترجمه طاهره قطب الدین؛ استاد دانشکده مطالعات آسیا و
خاورمیانه کالج سنت جان دانشگاه آکسفورد

دکترای علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، مترجم و پژوهشگر مطالعات اسلامی | حبیب راثی تهرانی

| ۳۵۱-۳۹۷ |

۳۵۱

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

چکیده: ترجمه انگلیسی جدید نهج البلاغه به همت خانم دکتر طاهره قطب الدین محقق برجسته خطابه عربی و استاد سابق دانشگاه شیکاگو و استاد فعلی دانشگاه آکسفورد را انتشارات بریل در سال ۲۰۲۴ منتشر کرده است. این کتاب نهج البلاغه: حکمت و بلاغت علی نام دارد. ویرایش انتقادی و تحقیق خانم قطب الدین بر مبنای کهن‌ترین نسخه‌های خطی از قرن پنجم (یازده میلادی) همراه با ترجمه مقابل در هر صفحه، نسخه خوبی از متن این کتاب ارزشمند را فرآوری مخاطبان قرار داده است. ضمن ارج‌گذاری تلاش‌ها و زحمات این استاد برجسته در ترجمه این کتاب شریف و احترام به مقام علمی و پژوهشی ایشان، این مقاله به اختصار پاره‌ای جملات، معادل‌ها و واژگان ترجمه را بررسی می‌کند که به نظر می‌رسد با اصلاح آنها می‌توان به ترجمه‌ای دقیق‌تر از متن نهج البلاغه دست یافت. گفتنی است نقدهای وارد شده در سه بخش لغزشگاه‌ها، افتادگی‌ها و پیشنهادهایی برای ترجمه بهتر عرضه شده است.

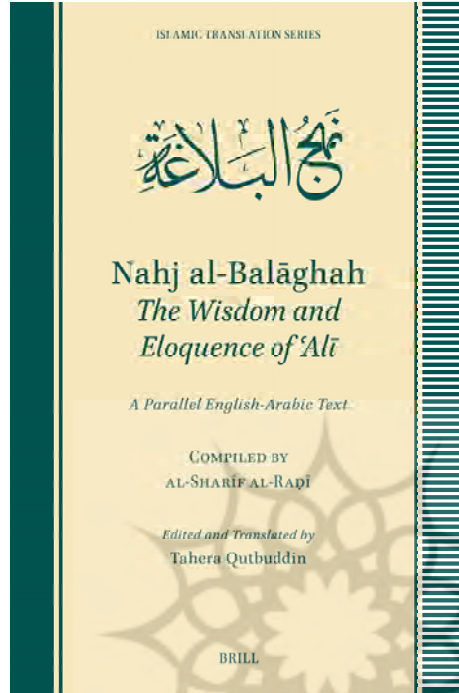
A Review of the Latest English Translation of Nahj al-Balagha
Critique of the Translation by Tahera Qutbuddin, Professor at the Department of Asian and Middle Eastern Studies, St. John's College, University of Oxford
Habib Rathi Tehrani

Abstract: The new English translation of *Nahj al-Balagha*, undertaken by Dr. Tahera Qutbuddin, a renowned scholar of Arabic rhetoric and former professor at the University of Chicago, currently a professor at the University of Oxford, was published by Brill in 2024. The book is titled *Nahj al-Balagha: Wisdom and Eloquence of Ali*. Dr. Qutbuddin's critical edition and research are based on the earliest manuscript versions from the 5th century (11th century CE), with facing-page translations. This provides readers with a solid version of this valuable text. While acknowledging and respecting the efforts and scholarly contributions of Professor Qutbuddin, this article briefly examines certain sentences, equivalencies, and vocabulary choices in the translation that could be revised for greater accuracy. The critiques are divided into three sections: ambiguities, omissions, and suggestions for improvement in translation.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اشاره



ترجمه انگلیسی جدید نهج البلاغه به همت خانم دکتر طاهره قطب‌الدین^(۱) محقق برجسته خطابه عربی و استاد سابق دانشگاه شیکاگو و استاد فعلی دانشگاه آکسفورد را انتشارات بریل در سال ۲۰۲۴ منتشر کرده است. این کتاب «نهج البلاغه: حکمت و بلاغت علی»^(۲) نام دارد. ویرایش انتقادی و تحقیق خانم قطب‌الدین بر مبنای کهن‌ترین نسخه‌های خطی از قرن پنجم (یازده میلادی) همراه با ترجمه مقابل در هر صفحه، نسخه خوبی از متن این کتاب ارزشمند را فراروی مخاطبان قرار داده

است. ضمن ارج‌گذاری تلاش‌ها و زحمات این استاد برجسته در ترجمه این کتاب شریف و احترام به مقام علمی و پژوهشی ایشان، این مقاله به اختصار، به بررسی پاره‌ای جملات، معادل‌ها و واژگان ترجمه می‌پردازد که به نظر می‌رسد با اصلاح آنها می‌توان به ترجمه‌ای دقیق‌تر از متن نهج البلاغه دست یافت. گفتنی است نقدهای وارد شده در سه بخش، لغزشگاه‌ها، افتادگی‌ها و پیشنهاداتی برای ترجمه بهتر عرضه شده است.

معرفی مترجم

طاهره قطب‌الدین در سال ۱۹۶۴ در بمبئی هندوستان در خانواده‌ای با مذهب داوودی بُهره^(۳) به دنیا آمد. قطب‌الدین زبان عربی را نزد پدرش خزیمه قطب‌الدین آموخت. او

1. Tahera Qutbuddin.

2. Nahj Al-balaghah - the Wisdom and Eloquence of Ali. *A Parallel English-Arabic Text*.

۳. بهره [داوودی] فرقه‌ای مذهبی از شاخه اسماعیلی اسلام شیعه است که تاریخ خود را به امامت فاطمیان در مصر می‌رساند. اکثر پیروان بهره در ایالت گجرات در هند یا شهر کراچی پاکستان زندگی می‌کنند. جمعیت قابل توجهی از آنها نیز در اروپا، آمریکای شمالی، خاور دور و شرق آفریقا ساکن‌اند.

مدرک لیسانس خود را در سال ۱۹۸۸ از دانشگاه عین‌الشمس قاهره، و مدرک کارشناسی ارشد (۱۹۹۴) و دکترای خود را نیز در سال ۱۹۹۹ از دانشگاه هاروارد دریافت کرد. او از ژوئیه ۲۰۲۳ تاکنون، صاحب کرسی استادی عبدالعزیز سعود الباطین در مطالعات عربی لودین^(۱) دانشکده مطالعات آسیایی و خاورمیانه در آکسفورد، و استاد کالج سنت جان آن دانشگاه است. پیش از این نیز به مدت ۲۱ سال استاد ادبیات عربی گروه زبان‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک دانشگاه شیکاگو بوده است.

تحقیقات قطب‌الدین در ادب عربی کلاسیک و مطالعات اسلامی بر حوزه‌های مشترک بین ادبیات، دین و سیاست در نظم و نثر تمرکز دارد. علائق پژوهشی او عبارتند از: شعر کلاسیک عربی، خطب، نامه‌ها، مواعظ، روایات، بوطیقا و لغت‌شناسی تاریخی. از جمله آثار ایشان می‌توان به «زندگی، تعالیم و فصاحت حکیم اسلام علی بن ابی‌طالب»^(۲)، «الخطابه العربیة؛ الفن و الوظیفه»، «مختارات الجاحظ من الأقوال والحکم المنسوبة إلى أمير المؤمنين الإمام علی»، «خطب و احادیث امام علی بن ابی‌طالب»؛ «احادیث اخلاقی و مواعظ پیامبر اکرم (ص)»؛ «شعر، تاریخ، کلام و فقه فاطمیان»؛ «ویژگی‌های ادبی و تفسیر نمادین قرآن»؛ آثار زنان در ادبیات کلاسیک عربی و «تاریخ، کارکردها، و ژانرهای عربی در هند» اشاره کرد.

طاهره قطب‌الدین در سال ۲۰۲۱ میلادی موفق به دریافت جایزه «الخطابه العربیة» در جشنواره جایزه «شیخ زاید للکتاب العام» در امارات متحده عربی شد. وی همچنین از سال ۲۰۲۰ یکی از اعضای بنیاد اعطای بورس تحصیلی گوگنهایم^(۳) است.

مهم‌ترین آثار مترجم

شماری از مهم‌ترین آثار تألیفی و ترجمه خانم دکتر قطب‌الدین به شرح ذیل است:

۱. کرسی زبان عربی پروفیسور لودین (Laudian Professor of Arabic)، که اکنون به عنوان کرسی استادی لودین عبدالعزیز سعود الباطین (Abdulaziz Saud AlBabtain Laudian Professor) شناخته می‌شود، در دانشگاه آکسفورد در سال ۱۶۳۶ توسط ویلیام لود (William Laud)، که در آن زمان رئیس دانشگاه آکسفورد و اسقف اعظم کانتربری بود، تأسیس شد.

2. Ali ibn Abi Talib: Life, Teachings, and Eloquence of the Sage of Islam.

۳. کمک هزینه گوگنهایم (Guggenheim Fellowship) کمک مالی (پژوهانه) است که از سال ۱۹۲۵ میلادی بنیاد یادبود جان سیمون گوگنهایم به افرادی که ظرفیت استثنایی برای تولید و خلق آثار هنری نشان داده‌اند، اعطا می‌کند.

1. *Arabic Oration: Art and Function*. 644 pages, in the series Handbook of Oriental Studies, Section 1: Near and Middle East, series ed. Maribel Fierro, M. Şükrü Hanioglu, Renata Holod, and Florian Schwarz. Leiden: Brill Academic Publishers. Winner of 2021 Sheikh Zayed Book Award in the category: Arab Culture in Other Languages LINK. Paperback edition: Leiden: Brill, 2022. Arabic translation: Abu Dhabi: Kalima Publishers, trans. Sane Yagi, ed. Bilal Orfali, forthcoming 2024.

2. *Al-Mu'ayyad al-Shirāzī and Fatimid Da'wa Poetry: A Case of Commitment in Classical Arabic Literature*. 412 pages, in the series Islamic History and Civilization, series ed. Wadad Kadi and Rotraud Wielandt. Leiden: Brill. (2005)

3. *Nahj al-Balāghah: The Wisdom and Eloquence of 'Alī*, facing-page critical edition, translation, and introduction of al-Sharīf al-Raḍī's (d. 406/1015) celebrated compilation of the orations, letters, and sayings of 'Alī, 1010 pages in the Islamic Translation Series, series ed. Ayman Shihadeh. Leiden: Brill. (2024)

4. *Kitāb al-Shihāb and Dustūr ma'ālim al-ḥikam* compiled by al-Qāḍī l-Quḍā'ī (d. 454/1062), Arabic edition reprint in one volume. Designed by Stuart Brown. Groningen: Matbuat Groningen. 2019

5. *Light in the Heavens: Sayings of the Prophet Muhammad*, (2016) facing-page critical edition and translation of Kitāb al-Shihāb compiled by al-Qāḍī l-Quḍā'ī (d. 454/1062). 232 pages, in the series Library of Arabic Literature, volume ed. Shawkat Toorawa, series ed. Philip Kennedy et al. New York: New York University Press. Arabic-only PDF version, 2016. English-only paperback ed., with Foreword by Paul Hinder, Bishop of Arabia, 2019. Thematic selections in an illuminated bilingual edition titled *Wisdom of the Prophet Muhammad: Lessons for the Twenty-First Century*, 428 pages, print and online LINK, Mumbai, Zahra Hasanaat Publications, 2023.

6. *A Treasury of Virtues: Sayings, Sermons, and Teachings of 'Alī*, facing-page critical edition and translation of *Dustūr ma'ālim al-ḥikam wa-ma'thūr makārim al-shiyam* comp. by al-Qāḍī l-Quḍā'ī (d. 454/1062), with the One Hundred Proverbs (Mi'at kalimah) of 'Alī attributed to compilation of Jāḥiẓ. 272 pages, in the series Library of Arabic Literature, volume ed. Shawkat Toorawa, series ed. Philip Kennedy et al. Arabic-only PDF version, 2013. Bilingual paperback ed. 2014. English-only paperback, 174 pages, with Foreword by Rowan Williams, Archbishop of Canterbury, 2016.

پیرامون اثر حاضر

انتشارات بریل این اثر را تحت عنوان "*Nahj al-Balāghah: The Wisdom and Eloquence of 'Alī*" در سال ۲۰۲۴ در لایدن هلند در ۱۰۱۰ صفحه به صورت متن دوزبانه مقابل (عربی-انگلیسی) منتشر کرده است که شامل تمام خطب، نامه‌ها و کلمات قصار کتاب شریف نهج البلاغه به همراه مقدمه شریف رضی (درگذشته ۴۰۶ هجری قمری) بر این کتاب است. پس از قدردانی و تشکر مترجم و ارائه فهرست علائم اختصاری مورد استفاده، مترجم در مقدمه‌ای مبسوط به شرح حال امام علی بن ابی طالب، تاریخچه جمع آوری خطب و کلمات و نامه‌های حضرت، آثار و سیره علمی شریف رضی و توضیح نکاتی درباره کتاب نهج البلاغه پرداخته است. همچنین بخش مهمی از مقدمه ۵۵ صفحه‌ای کتاب، به ملاحظاتی پیرامون نحوه تصحیح، نسخ خطی مورد استفاده (۱۴ نسخه) و شیوه ترجمه اختصاص دارد.

متن کتاب شامل ترجمه و متن کامل ۲۳۲ خطبه، ۷۸ نامه و ۴۴۶ کلمه قصار است و در انتهای کتاب نیز واژه‌نامه یا فرهنگ اختصاصی اصطلاحات، اعلام و اماکن موجود در متن به تفصیل اضافه شده است. همچنین پیوست‌های پایانی کتاب شامل فهرست کامل ارجاعات درون‌متنی، فهرست منابع و مأخذ (کتاب‌شناسی)، نمایه آیات قرآن کریم، احادیث، اشعار، امثال، اعلام، اماکن و فهرست موضوعی (مفاهیم دینی و اخلاقی) بر ارزش علمی و پژوهشی این اثر افزوده است.

۳۵۶

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

ترجمه‌های پیشین نهج البلاغه

در مقدمه دکتر طاهره قطب‌الدین تنها به دو ترجمه انگلیسی از نهج البلاغه اشاره شده است:

1. Selections from the Sayings by Thomas Cleary (1996)
2. Testament of al-Ashtar, by William Chittick (1981)

درحالی که با نگاهی به پیشینه ترجمه این کتاب می‌توان آثاری دیگر از مترجمانی نظیر میرزا جعفر طسوجی تبریزی، سید انصار حسین رضوی هندی، امتیاز علیخان عرش

هندی، دکتر محمدعلی حاج سلیمان، مفتی جعفر حسین، محمد عسکری جعفری، سید علی رضا، دکتر علاءالدین بازارگادی و دکتر سید اختر احمد را نیز یافت.^(۱)

روش بررسی اثر و تدوین مقاله

ضمن ارج گذاری دوباره و ادای احترام به تلاش‌های ارزشمند سرکار خانم دکتر طاهره قطب‌الدین در ترجمه دقیق، شیوا و بلیغ این کتاب شریف، یادآور می‌شود هدف از نگارش این مقاله، اصلاح برخی اشکالات و ارائه نکاتی برای بهتر شدن و تکمیل فواید بی‌شمار ترجمه حاضر است که بی‌شک انتشار گسترده آن^(۲) اقدامی بس مؤثر در شناساندن فرهنگ و اخلاق و سیره درخشان علوی به جهانیان به شمار می‌رود.

باری، در بررسی ترجمه کتاب نهج البلاغه، ابتدا سه متن مجزا و مستقل خطبه شقشقیه^(۳)، خطبه جهادیه^(۴) و کلام حضرت هنگام دفن حضرت زهرا (علیها السلام)^(۵) به عنوان نمونه انتخاب شد و پس از تطبیق و مقابله، صفحات دیگری از بخش خطب، نامه‌ها و کلمات قصار نیز به صورت تصادفی انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه این بررسی‌ها در ۵۲ مورد و در قالب سه بخش انتقادی ذیل ارائه شده است:

۱. لغزش‌های ترجمه (۲۳ مورد)
۲. افتادگی‌های ترجمه (۸ مورد)
۳. اصطلاحات و عباراتی که می‌توان برای آنها معادلی صحیح‌تر یا ترجمانی دقیق‌تر قرار داد. (۲۱ مورد)

۱. برای مطالعه بیشتر درخصوص ترجمه نهج البلاغه به زبان‌های خارجی نگاه کنید به مقاله: «منبع‌شناسی ترجمه‌های نهج البلاغه به زبان‌های غیرعربی» پیمان اسحاقی، فصلنامه امامت پژوهی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰: ۳۷۷-۳۵۹.
۲. خوشبختانه علاوه بر انتشار نسخه فیزیکی این کتاب، نسخه دیجیتالی آن نیز در قالب pdf به صورت رایگان در پایگاه اینترنتی دانشگاه آکسفورد به آدرس <https://oxford.academia.edu/TaheraQutbuddin> عرضه شده است.
۳. خطبه شماره ۳ (۱۲۱-۱۱۸).
۴. خطبه شماره ۲۷ (۱۴۹-۱۴۶).
۵. خطبه شماره ۲۰۰ (۴۸۱-۴۷۸).

در ابتدای هریک از نقدها، متن عربی و ترجمه ارائه شده در این کتاب به همراه ترجمه فارسی آن عرضه شده و در ادامه ترجمه پیشنهادی و ترجمه فارسی آن بیان گردیده است. در جمله عربی، زیر کلمه یا عبارت مورد بحث خط کشیده شده و در ترجمه‌ها نیز کلمات مورد اشکال و پیشنهادی به صورت ضخیم نوشته شده‌اند. در پایان هر قطعه نیز شرح و توضیح مختصری درباره محل اشکال و انتقادات وارد به ترجمه داده شده است. گفتنی است در معادل‌یابی اصطلاحات و واژگان مذهبی، از چند فرهنگ لغت تخصصی در حوزه ادیان و مذاهب بهره گرفته شده که فهرست آنها در بخش منابع و مآخذ آمده است.

بخش نخست. لغزش‌های ترجمه

۱. مَتَى اعْتَرَضَ الرَّيْبُ فِيَّ مَعَ الْأَوَّلِ مِنْهُمْ، حَتَّى صِرْتُ أَقْرَنُ إِلَى هَذِهِ النَّظَائِرِ.^(۱)

ترجمه قطب‌الدین:

... That I was now being equated with these **laggards!**

معنا: تا با این افراد تنبل / بیکار / وارفته قرین شوم.

ترجمه پیشنهادی:

... That I was now being equated with these **peers!**

معنا: تا با این همتایان / نظائر قرین شوم.

شرح و توضیح: گویی مترجم محترم در برگردان واژه «نظائر» دچار سوء برداشت شده است؛ زیرا استعمال واژه laggard که به معنای فرد تنبل و بیکار و وارفته است، موجب افزودن بار منفی به نظائر شده است. از این رو نخست اینکه نظائر جمع نظیره به معنای مثل و مانند است و ثانیاً اتفاقاً افرادی که خلیفه دوم آنها را نامزد خلافت پس از خود کرده بود، (مانند طلحه و زبیر و سعد بن ابی وقاص) نوعاً دلیر و جنگاور و نامدار بودند و از بزرگان قبیله خود محسوب می‌شدند و تنبل و بیکار و ... نبودند، لذا استعمال واژه peers به معنای «همتایان» در اینجا مناسب‌تر می‌نماید.

۱. خطبه شقشقیه؛ ص: ۱۲۱.

۲. إِلَىٰ أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ نَافِجًا حِضْنِيهِ بَيْنَ نَيْلِهِ وَمُعْتَلَفِهِ. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

Until the third stood up, **bosom** swelling **with pride**, amid his dung and fodder.

معنا: در حالی که سینه‌اش را با افتخار به جلو داده بود.

ترجمه پیشنهادی:

Until the third stood up, **Flanks** swelling, amid his dung and fodder.

معنا: در حالی که پهلوها / تهیگاه‌هایش [از شدت پرخوری] باد کرده بود.

شرح و توضیح: عبارت «نَافِجًا حِضْنِيهِ» با توجه به فرازهای پیشین و پسین، معنایی روشن و دال بر پرخوری خلیفه سوم دارد. مضاف بر اینکه کلیه شروح و ترجمه‌های نهج‌البلاغه شریف بر این معنا دلالت داشته و معنای مورد نظر مترجم محترم در هیچ اثری یافت نمی‌شود. همچنین ترجمه ارائه شده با جمله بعد مترجم (amid his dung and fodder) هیچ‌گونه همخوانی ندارد!

۳. يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ حَضْمَ الْإِبِلِ نَيْتَةَ الرَّبِيعِ. (۲)

ترجمه قطب‌الدین:

like a **herd of camels** munching on spring grass.

معنا: مانند یک گله شتر که گیاهان و علف‌های بهاری را می‌چرند.

ترجمه پیشنهادی:

like a **camel** munching on spring grass.

معنا: مانند شتری که گیاهان و علف‌های بهاری را می‌چرد.

شرح و توضیح: کلمه «الإبل» اسم واحد شتر و جمع آن «آبال» است. لذا نباید آن را به یک گله شتر ترجمه کرد.

۱. خطبه شقشقیه؛ ص: ۱۲۱.

۲. خطبه شقشقیه؛ ص: ۱۲۱.

٤. إِلَىٰ أَنْ ائْتَكْتَ عَلَيْهِ فَتُلَّهُ وَأَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلَهُ وَكَبَتْ بِهِ بَطْنَتُهُ. (١)

ترجمه قطب‌الدین:

... It was **greed** that brought him to the ground

معنا: تا اینکه حرص و آرزو طمع او را به زمین زد.

ترجمه پیشنهادی:

... It was his **gluttony** that brought him **down** / to the ground.

معنا: تا اینکه پرخوری و شکمبارگی اش او را به زمین زد.

شرح و توضیح: واژه «بطنة» به معنای سیری و پری شکم از طعام و بزرگ شدن شکم از سیری است. شاعر بزرگ عرب مرحوم محمد مهدی الجواهری، در عینیه زیبای خود خطاب به امام حسین (ع) می‌گوید:

وَيَا بَنَ الْبَطْنَيْنِ بِلَا بَطْنَةٍ وَيَا بَنَ الْفَتَى الْحَاسِرِ الْأَنْزَعِ (٢)
ای پسرانزاع‌البطنین (لقبی بود که پیامبر(ص) به امیرالمؤمنین علی(ع) دادند و به «مَنْزُوعٌ مِنَ الشَّرْكِ وَبَطْنِيٌّ مِنَ الْعِلْمِ» (٣) تفسیر و تأویل شده است)، بطیننی که سطبری شکمش از پرخوری و شکم‌بارگی نبود، و ای پسر جوانمردی که موی پیش سرش ریخته بود و بدون خود و سپر در جنگ‌ها حاضر می‌شد.

مراد امام(ع) این است که اهتمام بسیار به غذا خوردن و شکم‌بارگی بیش از حد و عدم توجه به مسائل جدی‌تر، یکی از عواملی بود که خلیفه سوم را به ورطه مرگ و کشته شدن کشاند. بنابراین استعمال معادل greed به معنای حرص و آرزو طمع، اگرچه در دایره معنایی بزرگ‌تر صحیح می‌نماید، برای رساندن این مفهوم، معادل ترجمه پیشنهادی دقیق‌تر می‌باشد. همچنین با توجه به gr ابتدایی و d انتهایی دو واژه greed و ground،

١. خطبه شمشقیه؛ ص: ١٢١.

٢. الجواهری فی العیون من أشعاره: ٢٥٩ در قصیده مشهور «أَمْنْتُ بِالْحُسَيْنِ (ع)» به مطلع:

تَنْزَعٌ بِالْأَبْلَاحِ الْأَرْوَاحِ فِدَاءٌ لَمْ تُؤَاكَ مِنْ مَضْجَعِ

٣. رسول خدا(ص) فرمود: «یا علی أن الله تعالی قد غفر لك ولأهلك ولشيعتك ومحبي شيعتك ومحبي شيعتك فأبشر فإنك الأنزع البطین؛ منزوع من الشرك، بطین من العلم» (عیون أخبار الرضا ٢: ٥٢).

مترجم محترم خواسته تا بین دو واژه فوق هم‌آوایی ایجاد کند که واژه پیشنهادی نیز تا حدودی وافی به این مراد است.

۵. حَتَّى لَقَدْ وُطِئَ الْحَسَنَانِ وَشُقَّ عِطَافِي. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

Trampling Hasan and Husayn and rending my own shirt

معنا: تا حدی که [امام] حسن و [امام] حسین (علیهما السلام) را لگدکوب و پیراهن ترا پاره کردند.

ترجمه پیشنهادی:

Hasan and Husayn were trampled and my robe / cloak was rent.

My big toes were trampled and my robe / cloak was rent.

معنا: تا حدی که [امام] حسن و [امام] حسین (علیهما السلام) زیر دست و پا ماندند و ردای من پاره شد.

شرح و توضیح: عبارت نهج البلاغه به صورت مجهول بیان شده، لذا حتی الامکان باید به صورت مجهول ترجمه شود. همچنین عطف به معنای «ردا» است و با shirt (پیراهن یا قمیص) فرق دارد، پس بهتر است معادل دقیق تر آن (robe / cloak) مورد استفاده قرار بگیرد. لازم به ذکر است برخی شرح نیز مراد از «الحسنان» را دو انگشت شست پا گرفته‌اند (۲) که جا دارد مترجم محترم در پاورقی، متذکر این معنا نیز شود.

۶. مُجْتَمِعِينَ حَوْلِي كَرِيصَةَ الْغَنَمِ. (۳)

ترجمه قطب‌الدین:

Like a surging herd of **camels**.

معنا: پیرامون من مانند یک گله شتر جمع شده بودند.

۱. خطبه شقشقیه؛ ص: ۱۲۱.

۲. منهاج البراعة (قطب رواندی) ۱: ۱۲۹؛ شرح ابن ابی الحدید ۱: ۲۰۰؛ شرح ابن میثم ۱: ۳۲۶.

۳. خطبه شقشقیه؛ ص: ۱۲۱.

ترجمه پیشنهادی:

Like a surging herd of **sheep**.

معنا: پیرامون من مانند یک گله گوسفند جمع شده بودند.

شرح و توضیح: «غنم» به معنای گوسفند است و ترجمه آن به شتر وجهی ندارد.

۷. يَا خَيْبَةَ الدَّاعِي! مَنْ دَعَا! وَإِلَى مَا أُجِيبُ!^(۱)

ترجمه قطب‌الدین:

Losers, every one of them, the issuers of this call! Who is it, pray, who calls, **and to what purpose do they expect me to answer?**

معنا: ... و به سوی چه هدفی آنها از من انتظار دارند که پاسخشان را بدهم؟

ترجمه پیشنهادی:

Losers, every one of them, the issuers of this call! Who is it, pray, who calls, **and by which answer (reaction) the caller was responded?**

معنا: ... و او [دعوت‌کننده] را با چه جوابی [یا چه کاری] پاسخ دادند؟

شرح و توضیح: «أُجِيبُ» فعل ماضی مفرد مذکر غائب مجهول از فعل معلوم «أَجَابَ» است به معنای «او را پاسخ دادند». لغزش ترجمه در اینجا است که این فعل مجهول با فعل مضارع متکلم وحده معلوم «أُجِيبُ» اشتباه گرفته شده و در نتیجه ترجمه نیز به صورت معلوم ارائه شده است. ابن ابی الحدید در شرح این فراز از کلام امیرالمؤمنین می‌گوید: «ثم قال على سبيل الاستصغار لهم، والاستحقار: «يَا خَيْبَةَ الدَّاعِي! مَنْ دَعَا! وَإِلَى مَا أُجِيبُ!» أَي أَحْقِرَ بَقَوْمٍ دَعَاهُمْ هَذَا الدَّاعِي! وَأَقْبِحَ بِالْأَمْرِ الَّذِي أَجَابُوهُ إِلَيْهِ، فَمَا أَفْحَشَهُ وَأَزْدَلَّهُ!»^(۲) یعنی «چه حقیرند مردمی که این دعوت‌کننده آنها را فراخواند و چه زشت و پست و ناپسند بود پاسخی که آنها به او دادند!».

۳۶۲

آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

۱. خطبه ۲۲؛ ص: ۱۳۸.

۲. شرح ابن ابی الحدید ۱: ۳۰۵.

۸. فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ، نَفَعَهُ عَمَلُهُ. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

Those who perform deeds during their days of hope, before the arrival of death, will benefit from **their days of hope**.

معنا: ... آرزوها / آمالش به او سود می‌رساند.

ترجمه پیشنهادی:

Those who perform deeds during their days of hope, before the arrival of death, will benefit from their **deeds**.

معنا: ... عملش به او سود می‌رساند.

۹. وَمَنْ قَصَرَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ، قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ، فَقَدْ خَسِرَ عَمَلَهُ. (۲)

ترجمه قطب‌الدین:

Those who fall short in performing deeds during their days of hope, before the arrival of death, will have squandered their **days of hope**.

معنا: ... آمال / آرزوهایش برای او زیان‌آور است.

ترجمه پیشنهادی:

Those who fall short in performing deeds during their days of hope, before the arrival of death, will have squandered their **deeds**.

معنا: ... عملش برای او زیان‌آور است.

شرح و توضیح: در دو مورد ۸ و ۹، احتمالاً مترجم محترم به دلیل شباهت لفظی بین دو واژه «أَمَل» و «عَمَل» در برگردان آنها دچار اشتباه شده و آنها را به جای یکدیگر نشانده است. باید به این نکته نیز توجه داشت که این دو کلمه در فاصله کوتاهی از کلام امام، شش مرتبه تکرار شده است و شاید همین تعدد استعمال، موجب اشتباه در ترجمه شده باشد.

۱. خطبه ۲۸؛ ص: ۱۴۹.

۲. خطبه ۲۸؛ ص: ۱۴۹.

۱۰. أَحْمَدُهُ عَلَى عَوَاطِفِ كَرَمِهِ. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

I praise him for his **compassionate** bounty.

معنا: او را به خاطر بخشش‌های مهربانانه‌اش ستایش می‌کنم.

ترجمه پیشنهادی:

I praise him for his **successive** bounty.

معنا: او را به خاطر بخشش‌های پی‌درپی‌اش ستایش می‌کنم.

شرح و توضیح: «عواطف» جمع عاطفة و عاطفة مؤنث عاطف به معنای پی‌درپی و پشت سر هم است. البته واژه «عواطف» معنای «مهربانی‌ها» نیز دارد، اشتباه ترجمه در اینجا نیز از همین تکرر معنایی نشأت گرفته است. همین‌طور باید به این نکته نیز توجه داشت که اضافه عواطف به کرم، از باب اضافه صفت به موصوف است مانند ترکیبات وصفی - اضافی (سَوَاءَ السَّبِيلِ) (۲)، «جزیل نعمه»، «عظیم احسانه»، «کثیر فضله»، «قُدُسْ أَنْفَاسِهِ»، «موفور ثوابه» و «محدور عقابه» (۳) به معنای «السَّبِيلِ السَّوِيِّ»، «نعمه الجزیلة»، «احسانه العظیم»، «فضله الكثير»، «أنفاسه القدسیة»، «ثوابه الموفور» و «عقابه المحذور»، بنابراین مراد از «عواطف کرمه» نیز «کرمه العواطف» به معنای بخشش‌های پی‌درپی است. ابن میثم بحرانی در شرح خود درباره این عبارت می‌نویسد: «وعواطف کرمه هی نِعْمِهِ وَأَثَارِهِ الْخَيْرِيَّةِ الَّتِي تَعُودُ عَلَى عِبَادِهِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى» (۴)

۱۱. فَجَاؤُوهَا كَمَا فَارَقُوهَا حُفَاةً عُرَاةً. (۵)

ترجمه قطب‌الدین:

They **left the world** as they had come, barefoot and naked.

معنا: آنها دنیا را بدرود گفتند همان‌گونه که پابرهنه و عریان پا به آن گذاشته بودند.

۱. خطبه ۸۰؛ ص: ۲۰۵.

۲. البقرة: ۱۰۸. (نگاه کنید به: الجدول في اعراب القرآن و صرفه و بیانه ۱: ۲۳۰)

۳. دعای اول صحیفه سجادیه.

۴. شرح ابن میثم ۲: ۲۳۸؛ اختیار مصباح السالکین: ۱۹۱.

۵. خطبه ۱۰۸؛ ص: ۲۸۳.

ترجمه پیشنهادی:

They **entered the hereafter** as the day had **left this world**, barefoot and naked.

معنا: آنها پابرهنه و عریان وارد عرصه قیامت شدند، درست همان‌گونه که دنیا را بدرود گفتند.

شرح و توضیح: با توجه به سیاق کلام امام (ع) و توجه به معنای جملات قبل و بعد، که صحبت از حیات دائمی و سرای جاودانی می‌کند، روشن است که مراد از «فَجَاؤُوهَا»، ورود به جهان برزخ و آخرت و بازگشت ضمیر «ها» به جهان آخرت است؛ زیرا اگر مراد آمدن به دنیا و رفتن از دنیا به صورت عریان بود، باید گفته می‌شد: «فَقَارَوهَا كَمَا جَاؤُوهَا حُفَاءَ عُرَاءَ» نه بالعکس؛ بنابراین مترجم محترم در تشخیص ضمیر به اشتباه افتاده و آن را به دنیا بازگردانده و در نتیجه در ترجمه دچار خطا شده است.

البته گفتنی است که شُرَّاح و مترجمان، وجه دیگری هم برای مرجع ضمیر «ها» بیان کرده‌اند و آن خانه قبر است،^(۱) که با این فرض نیز باز ترجمه حاضر وافی به مراد نیست.

۱۲. فَإِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ لِيَسِيرَ الْجَاهِلُ وَيَتَّبِعَ الْعَالِمُ.^(۲)

ترجمه قطب‌الدین:

I did so in order that the ignorant might see the light and the informed might **gain strength**.

معنا: من این کار را کردم تا عالم و دانا استوارتر و قوی‌تر شود.

ترجمه پیشنهادی:

I did so in order that the ignorant might see the light and the informed might **investigate more**.

معنا: من این کار را کردم تا عالم و دانا تحقیق و بررسی بیشتر نماید.

۱. یعنی همان‌گونه که انسان بار اول از خاک آفریده شده، هنگام مرگ نیز عریان و پابرهنه وارد خانه قبر می‌شود.

(نگاه کنید به: شرح ابن میثم ۳: ۸۶-۸۵؛ اختیار مصباح السالکین: ۲۶۶؛ منهاج البراعة ۸: ۲۷-۲۶).

۲. خطبه ۱۲۳؛ ص: ۳۰۲.

شرح و توضیح: محل اشکال در ترجمه فوق، واژه یا فعل «يَتَثَبَّتْ» است؛ با نگاهی به فرهنگ‌های زبان عربی و شروح موجود، معنای این فعل روشن می‌شود: «يَتَثَبَّتْ: أَي يَتَحَقَّقُ الْعَالَمُ يَقِينًا، وَالتَّثَبُّتُ خِلاَفُ الْإِقْدَامِ وَالْمَرَادُ بِهِ التَّأْتِي». ^(۱) علاوه بر این، مترجمان فارسی نیز آن را به صورت پیشنهادی ترجمه کرده‌اند. ^(۲)

۱۳. مَا أَنْتُمْ بِوَثِيقَةٍ يُعَلَّقُ بِهَا وَلَا زَوَافِرٍ يُعْتَصَمُ إِلَيْهَا. ^(۳)

ترجمه قطب‌الدین:

But you are also not a sturdy rope to cling to, or mighty **lions who defend!**

معنا: ریسمانی محکم نیستید که بتوان به آن چنگ زد و شیران نیرومندی نیستید که می‌توانند دفاع کنند.

ترجمه پیشنهادی:

But you are also not a sturdy rope to cling to, or mighty **companions who can rely upon!**

معنا: ریسمانی محکم نیستید که بتوان به آن چنگ زد و یاران نیرومندی نیستید که بتوان بر [کمک و یاری] آنان اتکا کرد.

شرح و توضیح: همان‌گونه که در فرهنگ‌های زبان عربی و شروح به روشنی بیان شده است، «زوافر» جمع «زافرة» به معنای یاران و خویشان یا لشکریان، انصار و عشیره است. ^(۴) ابن منظور می‌نویسد: «وَالزُّفْرُ وَالزُّفْرَةُ: الْجَمَاعَةُ مِنَ النَّاسِ، وَالزُّفْرَةُ: الْأَنْصَارُ وَالْعَشِيرَةُ، وَزَافِرَةُ الْقَوْمِ: أَنْصَارُهُمْ». ^(۵) گویا مترجم محترم آن را با واژه «الزُّفْرَةُ» یا «الزُّفْرَةُ»، به معنای شیر بیشه که جمع آن «الزُّفْرُ» است، ^(۶) اشتباه گرفته است.

۱. منهاج البراعة (قطب راوندی) ۲: ۴۱؛ همچنین نگاه کنید به: الطراز الأول ۳: ۲۰۰؛ لسان العرب ۲: ۱۹؛ منهاج البراعة ۸: ۱۷۰.

۲. نگاه کنید به: ترجمه سید جعفر شهیدی: ۱۲۳؛ ترجمه حسین استادولی: ۴۱۳.

۳. خطبه ۱۲۳؛ ص: ۳۰۲.

۴. الطراز الأول ۸: ۴۲؛ اختیار مصباح السالکین: ۲۸۲؛ شرح ابن ابی الحدید ۸: ۱۰۸؛ شرح ابن میثم ۳: ۱۱۹.

۵. لسان العرب ۴: ۳۲۶.

۶. لسان العرب ۴: ۳۲۴.

۱۴. فَلَا أُبْقِي اللَّهَ عَلَيْكَ إِنْ أَبْقَيْتَ. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

And if you do, may God see to you!

معنا: اگر چنین کنی، خدا پاسخت [جزایت] را بدهد.

ترجمه پیشنهادی:

May God have no mercy on you, if you have mercy on me.

معنا: خدا بر تو رحم نکند اگر رعایت حال من کنی و بر من ترحم نمایی.

شرح و توضیح: فعل «أبقى عليه» به معنای «بر او رحم کرد» است؛ ابن منظور همین کلام امام علی (ع) را به عنوان شاهد مثال برای این فعل آورده و می‌نویسد: «وَأَبْقَيْتُ عَلَى فُلَانٍ إِذْ أُرْعَيْتُ عَلَيْهِ وَرَحْمَتَهُ. يُقَالُ: لَا أَبْقِي اللَّهَ عَلَيْكَ إِنْ أَبْقَيْتَ عَلَيَّ». (۲) بنابراین ترجمه صحیح باید بر مبنای معنای دقیق فعل، به شرح پیشنهادی اصلاح شود.

۱۵. وَدَعَّ عَنْكَ نَهْبًا صِيحًا فِي حَجْرَاتِهِ. (۳)

ترجمه قطب‌الدین:

forget about the looting that caused screams in the neighborhood.

معنا: داستان آن غارت را فراموش کن که باعث جیغ و داد و فریاد در آن ناحیه شد.

ترجمه پیشنهادی:

forget about those loots that were plundered in the neighborhood.

معنا: ماجرای اموال به غارت رفته‌ای که در آن نواحی به یغما رفت را فراموش کن.

شرح و توضیح: این عبارت مصرع نخست بی‌تی از امرؤ القیس، شاعر مشهور عرب در عصر جاهلی است:

وَدَعَّ عَنْكَ نَهْبًا صِيحًا فِي حَجْرَاتِهِ وَلَكِنْ حَدِيثًا مَا حَدِيثُ الرَّوَاحِلِ (۴)

۱. خطبه ۱۳۳؛ ص: ۳۱۷.

۲. لسان العرب ۱۴: ۸۰.

۳. خطبه ۱۶۰؛ ص: ۳۶۹.

۴. شرح دیوان امرئ القیس: ۱۹۵.

ماجرای اموال به غارت رفته در آن نواحی را رها کن و داستان این اموال و شتران به غارت رفته [امروز] را بگو که چه بر سرشان آمد؟!

مرحوم سید علیخان مدنی نیز در فرهنگ لغت خود ذیل مدخل صیخ، همین مصرع را شاهد مثال آورده و می نویسد: «وَصِيخٌ بِهِمْ، إِذْ هَلَكُوا، وَصِيخٌ فِيهِمْ: أَهْلِكُوا، قَالَ امْرُؤُ الْقَيْسِ: دَغَّ عَنْكَ نَهْبًا صِيخٌ فِي حَجْرَاتِهِ، أَيُ أَذْهَبَ وَأَهْلِكَ».^(۱)

گویا اشتباه مترجم ناشی از این است که فعل «صیخ» را صیغه غائب فعل ماضی «صاح» به معنای فریاد کشید، فرض نموده و به حروف اضافه آن توجهی ننموده و ترجمه خود را بر این اساس ترتیب داده است، زیرا اگرچه هر دو صورت فعل از یک ریشه اند، وقتی این فعل با حروف اضافه «ب» و «فی» متعدی شود، از باب مجاز معنای هلاک کردن و به غارت رفتن می دهد.

۱۶. وَكَأَنَّكُمْ بِمَخَالِبِهَا وَقَدْ نَشِبَتْ فِيكُمْ.^(۲)

ترجمه قطب الدین:

Imagine that you are already trying to **ward off** its claw.

معنا: گویی شما در تلاش اید تا چنگال های او را از خود دور سازید.

ترجمه پیشنهادی:

As if you are already entangled in its claws, deep into you [your body and soul].

معنا: گویی در چنگ آن گرفتار آمده اید و چنگال هایش را در [جسم و روح] شما فرو برده است.

شرح و توضیح: مترجم محترم با آوردن فعل ward off معنای دور ساختن را ازاده کرده است، درحالی که جمله فوق فقط به محصور بودن انسان در چنگال های مرگ و شدت این گرفتاری اشاره دارد بطوری که هیچ راه گریزی از آن برای انسان وجود ندارد و هیچ صحبتی از تلاش انسان برای رهایی از این گرفتاری به میان نیامده است.

۱. الطراز الأول ۴: ۴۱۵.

۲. خطبه ۲۰۲: ص: ۴۸۱.

۱۷. فَبَرَقَ لَهُ لَمَعٌ كَثِيرٌ فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ وَسَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ.^(۱)

ترجمه قطب‌الدین:

That illuminated the road for him and **showed** the way.

معنا: سپس نوری جهنده برای او درخشیدن گرفت که راه او روشن ساخت و راه را به او نشان داد.

ترجمه پیشنهادی:

That illuminated the road for him and **took him to** the way.

معنا: سپس نوری جهنده برای او درخشیدن گرفت که راه او روشن ساخت و او را به راه انداخت.

شرح و توضیح: عبارت «وَسَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ» به معنای «او را به متن راه بُرد» یا «درون مسیر انداخت» است. البته برخی مترجمان فارسی آن را فعل لازم گرفته و این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «به واسطه آن نور [در راه حق] راه پیمود»^(۲) لیکن باید توجه داشت که فعل «سَلَكَ» با حرف اضافه «بِ» متعدی شده و «السَّبِيلَ» نیز مفعول به آن است. صاحب منهج البراعة می‌نویسد: «والباء في قوله: سَلَكَ بِهِ للتعدية»^(۳) مترجمان فارسی نیز آن را متعدی گرفته و این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «و او را در راه راست راند»^(۴) و «او را به راه انداخت»^(۵). روشن است که ترجمه ارائه شده صورت دیگری از پاره نخست جمله است که به روشن شدن راه دلالت دارد و سخنی از به راه افتادن (لازم) یا در مسیر انداختن (متعدی) به میان نیامده است.

۱۸. فَكُنْتُ رَجُلًا مِّنَ الْمُهَاجِرِينَ أَكْثَرَ أَشْيَعَتَابَهُ وَأَقْلَ عِتَابَهُ.^(۶)

ترجمه قطب‌الدین:

And the Emigrants each took their stand. I tried hard to reconcile and lower the heat.

۱. خطبه ۲۱۷؛ ص: ۵۰۱.

۲. ترجمه فیض الاسلام: ۶۹۳.

۳. منهج البراعة ۱۴: ۱۹۲.

۴. ترجمه سید جعفر شهیدی: ۲۵۲.

۵. ترجمه حسین استادولی: ۸۰۳.

۶. نامه ۱؛ ص: ۵۳۱.

معنا: و هریک از مهاجرین موضع خود را مشخص کرد و من برای برقراری صلح و کاهش تنش‌ها بسیار کوشیدم.

ترجمه پیشنهادی:

And I was one of Emigrants who most urged him to gain public satisfaction, and less censured him.

معنا: و من یکی از مهاجرین بودم که اکثراً از او [عثمان] می‌خواستم تا رضایت مردم را جلب کند و کمتر او را سرزنش می‌کردم.

شرح و توضیح: ترجمه ارائه شده با مفهوم جمله تفاوت بسیار دارد؛ به طوری که جمله «فَكُنْتُ رَجُلًا مِّنَ الْمُهَاجِرِينَ» به معنای «و من یکی از مهاجرین بودم» به « And the Emigrants each...» ترجمه شده است! در ترجمه جمله دوم و سوم نیز همان گونه که مشاهده می‌شود تنها به نقل کلی مضمون سخن امام (ع) بسنده شده است، درحالی که ترجمه دقیق آن به شرح پیشنهادی لازم به اصلاح است.

۱۹. وَمَرَارَةُ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنَ الظَّلْبِ إِلَى النَّاسِ.^(۱)

ترجمه قطب‌الدین:

It is **far** better to taste the bitterness of **resignation** than to importune people.

معنا: تلخی تسلیم و رضا خیلی بهتر از طلب کردن از مردم است.

ترجمه پیشنهادی:

It is better to taste the bitterness of **hopelessness / despair** than to importune people.

معنا: تلخی یأس و ناامیدی بهتر از طلب کردن از مردم است.

شرح و توضیح: در اینجا یأس و ناامیدی به resignation ترجمه شده که معنای تسلیم و رضا می‌دهد، در حالی که مراد امام (ع) همان معنای نخستین و روشن یأس و ناامیدی است. شراح و مترجمان نیز این سخن را به همین شیوه تفسیر و ترجمه کرده‌اند؛ ابن ابی الحدید در شرح این فراز می‌نویسد: شاعر مضمون این شعر خود را از این سخن گرفته است، آنجا که می‌گوید:

وَإِنْ كَانَ طَعْمُ الْيَأْسِ مُرًّا فَإِنَّهُ أَلْدُّ وَأَخْلَى مِنْ سُؤَالِ الْأَرَادِلِ^(۱)
اگرچه یأس و ناامیدی طعمی تلخ دارد، لیکن شیرین‌تر و لذت‌بخش‌تر از
درخواست کردن از افراد دون و فرومایه است.

مترجمان فارسی نیز این جمله را به «تلخی نومیدی/ناامیدی» ترجمه کرده‌اند.^(۲)

همچنین در این مورد و مورد آتی، واژه «خیّر» به far better ترجمه شده است که معنای
«خیلی بهتر» می‌دهد که بهتر است صفت آن حذف شود.

۲۰. وَالْحُرْفَةُ مَعَ الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ.^(۳)

ترجمه قطب‌الدین:

It is **far better** for you to combine restraint with **employment** than to pair wealth with **dissolution**.

معنا: شغل همراه با عفت خیلی بهتر از غنا و بی‌نیازی همراه با زوال و فروپاشی است.

ترجمه پیشنهادی:

It is **better** for you to combine restraint with **poverty** than to pair wealth with **dissoluteness**.

معنا: فقر و نداری همراه با عفت بهتر از غنا و بی‌نیازی همراه با گناهکاری است.

شرح و توضیح: محل اشکال در این ترجمه کلمه «حرفه» است که متأسفانه بسیاری از
مترجمان توجه کافی به آن نداشته و آن را به «شغل و کار» ترجمه کرده‌اند،^(۴) درحالی که
اولاً در فرهنگ‌های لغت زبان عربی و شروح نهج البلاغه شریف، معنای این واژه به
روشنی بیان شده است؛ ابن ابی‌الحدید معتزلی می‌نویسد: «الْحُرْفَةُ بِالْكَسْرِ مِثْلُ الْحُرْفِ
بِالضَّمِّ، وَهُوَ نَقْصَانُ الْحَقِّ وَعَدَمُ الْمَالِ».^(۵) ابن میثم بحرانی نیز می‌نویسد: «الحرفه:

۱. شرح ابن ابی‌الحدید ۱۶: ۹۸.

۲. نگاه کنید به: ترجمه سید جعفر شهیدی: ۳۰۴؛ ترجمه حسین استادولی: ۹۶۱؛ ترجمه فیض الاسلام: ۹۳۱.

۳. نامه ۳۱؛ ص: ۵۸۷.

۴. نگاه کنید به: ترجمه سید جعفر شهیدی: ۳۰۴؛ ترجمه فیض الاسلام: ۹۳۱.

۵. شرح ابن ابی‌الحدید ۱۶: ۹۸.

الصَّيْقُ فِي الرَّزْقِ وَالْحَرَمَانِ».^(۱) صاحب لسان العرب نیز گفته است: «وَالْحَرْفُ: الْأَسْمُ مِنْ قَوْلِكَ: رَجُلٌ مُحَارَفٌ أَيْ مَنْقُوضُ الْحِطِّ، لَا يَنْمُو لَهُ الْمَالُ، وَكَذَلِكَ الْحَرْفَةُ بِالْكَسْرِ».^(۲) بنابراین واژه «الحَرْفَةُ» به کسر حاء یا به ضم آن، هر دو به معنای فقر و نداری است.

ثانیاً از فحوای سخن امام (ع) و تضاد موجود بین «العفة» و «الفجور» می توان دریافت که باید بین دو کلمه «الحرفه» و «الغنى» نیز رابطه ای متقارن و متضاد وجود داشته باشد، بنابراین مفهوم شغل و کار، معنای درستی برای این واژه نمی نماید، زیرا غالباً داشتن کار و شغل برای فرد، با غنا و بی نیازی وی منافات و تضادی ندارد، بلکه طریق رسیدن به توانگری و حتی از لوازم آن است. باری به منظور ترجمان دقیق تر سخن حضرت، اصلاح ترجمه به شرح پیشنهادی می تواند راهگشا باشد.

۲۱. فَإِنَّكَ إِنَّمَا نَصَرْتَ عُثْمَانَ حَيْثُ كَانَ النَّصْرُ لَكَ، وَخَذَلْتَهُ حَيْثُ كَانَ النَّصْرُ لَهُ.^(۳)

ترجمه قطب الدین:

You are only coming forward to defend 'Uthmān now in order to help yourself. You abandoned him earlier, when **you could have helped him**.

معنا: ... و او را رها کردی هنگامی که می توانستی به او کمک کنی.

ترجمه پیشنهادی:

You are only coming forward to defend 'Uthmān now in order to help yourself. You abandoned him earlier, when your help was **in his favor / for his benefit**.

معنا: ... و او را رها کردی هنگامی که کمک کردن [ت] به سود او بود.

شرح و توضیح: عبارت «حَيْثُ كَانَ النَّصْرُ لَكَ / لَهُ» به معنای «وقتی کمک کردن به سود تو / او بود» است، در حالی که ترجمه ارائه شده به صورت when you could have helped him اگرچه هم راستا با مفهوم کلی جمله است، کامل و دقیق نیست.

۱. شرح ابن میثم ۵: ۴۱.

۲. لسان العرب ۹: ۴۴.

۳. نامه ۳۷: ص: ۶۰۱.

۲۲. النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

People hate the unfamiliar.

معنا: مردم از آنچه ناشناخته است بیزار / متنفرند.

ترجمه پیشنهادی:

People are enemy with whatever they are ignorant about.

People are enemy with whatever they know nothing about.

معنا: مردم دشمن چیزی هستند که نسبت به [حقیقت] آن جاهل و ناآگاه هستند / چیزی درباره [اصل] آن نمی‌دانند.

شرح و توضیح: «أعداء» جمع عدو به معنای دشمن است و ترجمه آن به «نفرت و بیزاری» دور از فصاحت و رعایت امانت در ترجمه است. همچنین «مَا جَهِلُوا» یعنی «آنچه نسبت به آن جاهل دارند یا نادان هستند» و با امور ناشناخته کمی فرق دارد؛ امور ناشناخته غالباً به پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که از بیخ و بن نامعلوم بوده و هیچ بعدی از ابعاد آن برای مردم شناخته شده نباشد؛ لذا دشمنی با آنها وجهی ندارد. اصولاً چگونگی امکان دارد مردم با پدیده‌ای که اصلاً از وجود آن خبر ندارند، دشمن باشند؟! لذا مراد امام (ع) پدیده‌هایی است مردم شناخت درستی از آنها ندارند و به کُنه و حقیقت واقعی آن آگاهی نداشته و نسبت به اصل آن نادان و جاهل هستند و لذا با آن دشمنی می‌کنند.

۲۳. اَرْجُوْهُ الْمُسِيءَ بِتَوَابِ الْمُحْسِنِ. (۲)

ترجمه قطب‌الدین:

Repay malice with kindness and you will have rebuked.

معنا: اگر بداندیشی را با مهربانی جبران کنی، سرزنش خواهی شد.

ترجمه پیشنهادی:

Prevent the evildoer by rewarding the benefactor.

۱. کلمات قصار ۱۵۶؛ ص: ۷۲۹.

۲. کلمات قصار ۱۶۱؛ ص: ۷۲۹.

معنا: با پاداش دادن به [فرد] نیکوکار، مانع [انجام کارهای ناپسند توسط فرد] بدکردار شو.

شرح و توضیح: نخست اینکه سیاق جمله به صورت امری است که در برگردان به صورت شرطی ترجمه شده است. در ثانی «اَزْجُر» فعل امر به معنای «بازدار/مانع شو» است و تعبیر از آن به rebuk به معنای توبیخ / ملامت / سرزنش کردن، وجهی ندارد. سه دیگر «مُسيء» به معنای فرد بدکار و بدکردار است و ترجمه آن به «بداندیشی» خلاف رعایت امانت در ترجمه است. چهارم اینکه عبارت «بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ» یعنی با پاداش دادن به فرد نیکوکار و اگرچه برگردان kindness به معنای احسان، در حوزه معنایی «محسن» است، ولی با توجه به فعل به کار برده شده، اصلاً وافی به مراد گوینده کلام نیست. در کل جمله ترجمه شده نیاز به بازنگری و اصلاح جدی، به شرح پیشنهادی دارد.

بخش دوم. افتادگی‌های ترجمه

۲۴. فَمَا رَاعِنِي إِلَّا وَالنَّاسُ إِلَيَّ كَعُزْفِ الضَّبُعِ يَنْتَالُونَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ.^(۱)
ترجمه قطب‌الدین:

Then suddenly, people were flocking to me.

معنا: تا ناگهان مردم به سوی من هجوم آوردند.

ترجمه قسمت جا افتاده:

Then **nothing** made me wonder, save when people were flocking to me ...

معنا: و هیچ چیز مرا به وحشت و شگفتی نینداخت ... مگر اینکه مردم به یکباره به سوی من روی آوردند.

شرح و توضیح: مترجم محترم عبارت «فَمَا رَاعِنِي إِلَّا» به معنای «و هیچ چیز مرا به وحشت و شگفتی نینداخت» را در ترجمه خود نیاورده و تنها به آوردن قید suddenly اکتفا کرده است.

۱. خطبه شقشقیه؛ ص: ۱۲۱.

۲۵. فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

Jihad is a door to heaven.

معنا: جهاد دری به سوی بهشت است.

ترجمه قسمت جا افتاده:

Jihad is **one door of heaven's doors**.

معنا: جهاد دری از درهای بهشت است.

شرح و توضیح: در ترجمه، عبارت «بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ» به «باب» تقلیل یافته است. همچنین در ترجمه a door to heaven به معنای «دری به سوی» آمده که با مضمون کلام امام تفاوت دارد و جهاد «دری از درهای» بهشت است نه دری به سوی آن.

۲۶. وَهَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَأَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي؟ (۲)

ترجمه قطب‌الدین:

Is there anyone more familiar with its harshness?

معنا: آیا کسی آشناتر با سختی‌های جنگ بود؟

ترجمه قسمت جا افتاده:

Is there anyone **of them** more familiar **than me** with its harshness?

معنا: آیا در میان آنها کسی بود که با سختی‌های جنگ آشناتر از من باشد؟

شرح و توضیح: این سخن امام (ع) در مقام مقایسه خود با دیگر صحابه است، منتها در ترجمه دو واژه «منهم» و «منی» که بیانگر این مقایسه هستند، جا افتاده است.

۲۷. وَمِنْ كَلَامِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رُوِيَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ عِنْدَ دَفْنِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَالْمُنَاجِي بِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ قَبْرِهِ. (۳)

۱. خطبه ۲۷؛ ص: ۱۴۷.

۲. خطبه ۲۷؛ ص: ۱۴۹.

۳. خطبه ۲۰۰؛ ص: ۴۷۹.

ترجمه قطب‌الدین:

From words uttered by 'Alī just after he had buried the queen of all women, Fāṭimah, at the graveside of God's Messenger.

معنا: از کلامی که حضرت علی به هنگام دفن سرور زنان فاطمه (س) بر سر مزار رسول خدا(ص) بر زبان راند.

ترجمه قسمت جا افتاده:

From words uttered by 'Alī **whispered as if addressing Prophet** just after he had buried the queen of all women, Fāṭimah (A.S), at the graveside of God's Messenger (PBUH)

معنا: از کلامی که حضرت به هنگام دفن سرور زنان فاطمه (س) مناجات‌گونه با رسول خدا(ص) بر سر مزارش بر زبان راند.

شرح و توضیح: عبارت «كَالْمُنَاجِي بِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» در ترجمه نیامده است.

٢٨. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَعَنْ أُنْتِكَ النَّازِلَةَ فِي جَوَارِكِ وَالسَّرِيعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ.^(١)
ترجمه قطب‌الدین:

Salutations to you, Messenger of God, from me and from your daughter who has come to stay with you.

معنا: سلام بر تو ای رسول خدا؛ سلامی از جانب من و دختری که هم اکنون در جوارت فرود آمده است.

ترجمه قسمت جا افتاده:

Salutations to you, Messenger of God, from me and from your daughter who has come to stay with you **and has reached / joined you very fast.**

معنا: سلام بر تو ای رسول خدا؛ سلامی از جانب من و دختری که هم اکنون در جوارت فرود آمده و خیلی زود به تو پیوسته است.

شرح و توضیح: عبارت «وَالسَّرِيعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ» در ترجمه جا افتاده است.

١. خطبه ٢٥٥؛ ص: ٤٧٩.

۲۹. وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَلَا حِظَّ الْمَيِّتَةِ نَحْوَكُمْ دَائِبَةٌ. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

Death homes in on you.

معنا: مرگ به سوی شما پیش می‌آید.

ترجمه قسمت جا افتاده:

Death stares closely on you consistently / continually.

معنا: مرگ از فاصله‌ای نزدیک پیوسته به شما خیره شده و چشم دوخته است.

شرح و توضیح: واژه «مَلَا حِظَّ» جمع مصدر میمی «مَلَحَظَ» به معنای «به دنبال چشم به سوی کسی یا چیزی نگریستن» است. متأسفانه در ترجمه حاضر، مضمون نگریستن و چشم و... مشاهده نمی‌گردد. همچنین واژه «دَائِبَةٌ» به معنای «پیوسته و مستمر» که در نسخه‌های دیگر نهج‌البلاغه به صورت «دَائِبَةٌ» آمده، (۲) ترجمه نشده است. ترجمه اصلاحی به شرح پیشنهادی می‌تواند وافی به مراد سخن امام (ع) باشد.

۳۰. وَكَانَ طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ أَهْوَنُ سَيْرِهِمَا فِيهِ الْوَجِيفُ وَأَزْفَقَ حُدَاهُمَا الْعَنِيفُ. (۳)

ترجمه قطب‌الدین:

While Ṭalḥah and Zubayr galloped to escalate the affair, harshly driving the camels of castigation toward their destination.

معنا: در حالی که طلحه و زبیر با تمام توان تاختند تا وخامت اوضاع را تشدید کنند و شترهای نکوهش را به شدت به سوی مقصد [خود] می‌رانند.

ترجمه پیشنهادی:

while Ṭalḥah and Zubayr, **as the least pressure**, galloped to escalate the affair, **and as the most toleration**, were harshly driving the camels of castigation toward their destination.

۱. خطبه ۲۰۲؛ ص: ۴۸۱.

۲. مترجم محترم در پاورقی شماره ۲ صفحه ۴۸۰ به این نکته اشاره کرده است.

۳. نامه ۱؛ ص: ۵۳۱.

معنا: در حالی که کمترین فشار طلحه و زبیر بر او [عثمان] با تمام توان تاختن بود تا وخامت اوضاع را تشدید کنند و نرم‌ترین رفتار آنان با وی این بود که شترهای نکوهش را به شدت به سوی مقصد [خود] می‌رانند.

شرح و توضیح: دو واژه «أَهْوَن» و «أَزْفَق» که هر دو در نقش صفت هستند، در ترجمه نیامده‌اند.

۳۱. وَأَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِ الْهُدَى. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

Struck down their beacons of guidance.

معنا: مناره‌های هدایتشان را سرنگون کرد.

ترجمه قسمت جا افتاده:

Made them blind to see the beacons of guidance.

معنا: چشم آنها را از دیدن مناره / نشانه‌های هدایت کور می‌کند.

معنا: دیدگان‌شان را از برای دیدن مشعل‌گاه هدایت فرو بسته است.

شرح و توضیح: فعل «أَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ» به معنای «فرو بستن چشم» یا «جلوی چشم کسی را گرفتن» یا «کور کردن» در ترجمه نیامده است.

بخش سوم. اصطلاحات و عباراتی که می‌توان برای آنها معادلی صحیح‌تر یا ترجمانی دقیق‌تری قرار داد

۳۲. شَتَّانَ مَا يَوْمِي عَلَى كُورِهَا وَيَوْمُ حَيَّانَ أَخِي جَابِرٍ (۲)

ترجمه قطب‌الدین:

How different my days today, always in the saddle, and the days spent in the company of Jābir's brother, Ḥayyān!

۱. نامه ۱؛ ص: ۵۳۱.

۲. خطبه شقشقیه؛ ص: ۱۲۱.

معنا: فرق است بین حال امروز من در پشت شتر و روزهایی که در کنار حیان برادر جابر [بر من] می گذشت!

ترجمه پیشنهادی:

How different my days today, always in the saddle, [in hot weather, deserts] and the days of Jābir's brother, Ḥayyān [in his palace]!

معنا: فرق است بین حال امروز من در پشت شتر در بیابان های گرم و حال و روز حیان برادر جابر که در خوشی و رفاه در قصرش به سر می برد!

شرح و توضیح: بیت فوق از آن الاعشى الكبير میمون بن قیس شاعر عصر جاهلی است که در بیان مقایسه خود با حال و روز حیان برادر جابر گفته است. البته ترجمه ارائه شده اصلاً غلط نیست و برخی شراح و مترجمان این وجه را صحیح دانسته و برخی قائل به هردو وجه شده اند،^(۱) لیکن با مراجعه به متن کامل قصیده در دیوان اعشى و شروح آن^(۲) معنای بیت به روشنی قابل دریافت است و بعضی شارحان^(۳) و مترجمان^(۴) صاحب نظر نهج البلاغه نیز قائل به همین تفسیر هستند.

۳۳. فَصَغَى رَجُلٌ مِنْهُمْ لِضَغْنِهِ وَمَالَ الْأَخْرِ لِصِبْهِهِ مَعَ هِنٍ وَهِنٍ.^(۵)

ترجمه قطب الدین:

Even so, one of them turned away from me because of an old grudge, another inclined toward someone else because he was related to him by marriage, **along with this one and that one.**

۱. نگاه کنید به: شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی: ۱/۳۱۷-۳۱۶؛ اختیار مصباح السالکین: ۹۳؛ منهاج البراعة: ۳؛

۵۶؛ حدائق الحقائق في شرح نهج البلاغة: ۱/۱۶۷؛ معارج نهج البلاغة: ۱/۲۳۲-۲۳۱؛ ترجمه فیض الاسلام: ۱/۴۸.

۲. شارح دیوان اعشى در توضیح بیت فوق می گوید: «وإنَّ لي فَوْقَ ظَهْرِهَا لَيَوْمًا عَسِيرًا هُوَ أَشَدُّ هَوْلًا وَفَزَعًا مِنْ يَوْمِ حَيَّانَ أَخِي جَابِرٍ، وَقَدْ حُبِسَ فِي حِصْنِ عَالٍ مَشِيدٍ يُبَيِّ مِنْ حِجَارَةِ صَمَاءِ مَلَسَاءٍ بَرَزَ عَنْهَا طَفْرُ الطَّائِرِ» (دیوان الاعشى الكبير: ۱۴۷-۱۴۶؛ شرح دیوان الاعشى الكبير: ۱۸۵).

۳. ابن ابی الحدید نیز در توضیح ابن بیت می نویسد: «سَتَّانَ يَوْمِي وَأَنَا فِي الْهَاجِرَةِ وَالرَّمْضَاءِ، أَسِيرٌ عَلَى كُورِ هَذِهِ النَّاقَةِ، وَيَوْمَ حَيَّانَ وَهُوَ فِي سَكْرَةِ الشَّرَابِ، نَاعِمٌ الْبَالِ، مُرْفَعٌ مِنَ الْأَكْدَارِ وَالْمَشَاقِقِ» (شرح ابن ابی الحدید: ۱/۱۶۷).

۴. برای نمونه نگاه کنید به: ترجمه سید جعفر شهیدی: ۱۰؛ ترجمه حسین استادولی: ۵۹.

۵. خطبه شمشقیه؛ ص: ۱۲۱.

معنا: یکی به خاطر کینه‌اش از من روی گرداند (سعد بن ابی وقاص)، و دیگری به خاطر دامادی‌اش به دیگر سو رو نهاد (عبدالرحمن بن عوف)، در کنار این فرد و آن دیگری [طلحه و زبیر].

ترجمه پیشنهادی:

Even so, one of them turned away from me because of an old grudge, another inclined toward someone else because he was related to him by marriage, along with this one and that one, **which to name them is indecent! / and other grudges, not suitable to mention.**

معنا: یکی به خاطر کینه‌اش از من روی گرداند (سعد بن ابی وقاص)، و دیگری به خاطر دامادی‌اش به دیگر سو رو نهاد (عبدالرحمن بن عوف)، در کنار این فرد و آن دیگری [طلحه و زبیر] که ذکر نام آنها زشت و ناپسند و شرم‌آور است. / به همراه اغراض دیگری که ذکرش مناسب نیست.

شرح و توضیح: اگرچه ترجمه ارائه شده کاملاً صحیح است و مراد مترجم از «هن وهن» طلحه و زبیر است، واژه «هن» از ریشه «هن و» و کنایه از «چیز»، «گس یا کسان» است.^(۱) لیکن باید به این نکته توجه داشت که استعمال آن در زبان عربی افاده معنایی مضاف بر معانی فوق هم دارد و آن «اغراض و سخنان ناپسندی است که ذکرش در آن مقام مناسب نباشد». سخن چند تن از صاحب نظران در این خصوص به شرح ذیل است:

ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد:

«وهي كناية عن الشيء يُسْتَفْحَشُ ذِكْرُهُ»^(۲)

ابن ابی الحدید در شرح این فقره می‌گوید:

«مع هن وهن، أي مع أمور يَكْنَى عنها ولا يُصْرَحُ بذكرها، وأكثر ما يُستعمل ذلك في الشر»^(۳)

امین الاسلام طبرسی نیز می‌نویسد:

«والهن: على وزن أخ، كناية عن شيءٍ قبيح»^(۴)

۱. نگاه کنید به: الصحاح: ۲۵۳۷-۲۵۳۶.

۲. لسان العرب ۱۵: ۳۶۵.

۳. شرح ابن ابی الحدید ۱: ۲۰۸؛ ومنه تلخیص الشافی ۳: ۵۵.

۴. الاحتجاج ۱: ۲۹۶.

سید ابن طاووس نیز در شرح این فراز گفته است:

«وَأَمَّا الْهَنْ، وَالْهَنْ فَهِيَ الْأَشْيَاءُ الَّتِي كَرِهَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذِكْرَهَا، مِنْ حَسَدِهِمْ إِيَّاهُ، وَاتِّفَاقِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ مَعَ عَثْمَانَ أَنْ يَسَلِّمَهُ الْخِلَافَةَ لِيَرُدَّهَا عَلَيْهِ مِنْ بَعْدِهِ، وَلِذَلِكَ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِ عَوْفٍ بَعْدَ مَبَايَعَةِ عَثْمَانَ: «وَاللَّهِ مَا فَعَلْتَهَا إِلَّا لِأَنَّكَ رَجَوْتَ مِنْهُ مَا رَجَا صَاحِبُكُمْ مِنْ صَاحِبِهِ، ذُقَّ اللَّهُ يَبِينُكُمْ مَا عَطَرَ مِنْكُمْ»، فَمَاتَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ وَعَثْمَانُ مَتَبَاغِضِينَ»^(۱).

علامه مجلسی می گوید:

«وهن على وزن أخ: كلمة كناية ومعناه شيء، واصله هنو. وقال الشيخ الرضي رضي الله عنه: الهن: الشيء المنكر الذي يستهجن ذكره من العورة والفعل القبيح أو غير ذلك»^(۲).

میرزا حبیب الله خوبی نیز می نویسد:

مع هن وهن؛ أي مع شيء وشيء قبيح يستهجن ذكره، وهو البغض والحسد منه له عليه السلام أو نفاسته عليه أو رجاءه وصول الخلافة بعد عثمان إليه أو انتفاعه بخلافته بالانتساب واكتساب الأموال والترفع على الناس والاستطالة أو غير ذلك مما هو عليه السلام أعلم به وكتى عنه»^(۳).

همان گونه که مشاهده می شود، استعمال واژه «هن» با بار منفی معنایی نیز همراه است، لذا شایسته است در ترجمه نیز این مضمون رعایت شود.

۳۴. أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ^(۴).

ترجمه قطب الدین:

I swear by him who split open the seed, the one who created **living** beings.

معنا: قسم به کسی که دانه را شکافت و موجودات زنده را آفرید.

۱. طرف من الأنبياء والمناقب في شرف سيد الأنبياء: ۴۲۰.

۲. بحار الأنوار: ۲۹: ۵۸۰.

۳. منهاج البراعة ۳: ۷۵.

۴. خطبه شقشقيه؛ ص: ۱۲۱.

ترجمه پیشنهادی:

I swear by him who split open the seed, the one who created **human** beings.

معنا: قسم به کسی که دانه را شکافت و انسان / بشر را خلق کرد.

شرح و توضیح: اگرچه دایره موجودات زنده انسان را نیز دربر می‌گیرد، لیکن متن نهج البلاغه در اینجا سخن از انسان/ بشر به میان آورده و از تمام موجودات زنده یاد نکرده است.

۳۵. وَلَا لَفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنزٍ.^(۱)

ترجمه قطب‌الدین:

You would have seen that your world means less to me than the **sneeze** of a goat.

معنا: و درمی‌یافتید که دنیای شما نزد من از عطسه بز بی‌ارزش‌تر است!

ترجمه پیشنهادی:

You would have seen that your world means less to me than the **snot / mucus** of a goat.

معنا: و درمی‌یافتید که دنیای شما نزد من از آب بینی بز بی‌ارزش‌تر است!

شرح و توضیح: ترجمه ارائه شده صحیح و عطفه به هر دو معنای «عطسه» و «آب بینی» بز آمده است. لیکن ابن ابی‌الحدید می‌گوید: «عطفه عنز: ما تنشره من أنفها»،^(۲) و شیخ محمدتقی شوشتری می‌نویسد: «والعطفة ما يخرج من أنفها».^(۳) بنابراین با توجه به معانی ذکر شده در شروح، معنای دوم می‌تواند مرجح باشد. مضاف بر این باید توجه داشت که عمل عطسه کردن، عملی غیرارادی و رفتار یا واکنشی ناگهانی است، لذا به نظر می‌رسد تشبیه بی‌ارزشی دنیا به یک شیء پست و بی‌مقدار، به بلاغت امام (ع) نزدیک‌تر باشد تا تشبیه آن به یک واکنش و رفتار غیرارادی.

۱. خطبه شقشقیه؛ ص: ۱۲۱.

۲. شرح ابن ابی‌الحدید ۱: ۲۰۳.

۳. بهج الصباغة ۵: ۲۶۱.

۳۶. فَإِنَّ الْجَهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى.^(۱)
ترجمه قطب‌الدین:

... It is piety's **robe**.

معنا: جهاد دری از درهای بهشت ... و آن ردای تقوا است.

ترجمه پیشنهادی:

... It is piety's **clothing / garment / raiment**.

معنا: جهاد دری از درهای بهشت ... و آن لباس تقوا است.

شرح و توضیح: همان‌طور که در مورد پنجم گفته شد، شایسته است تفاوت استعمال اسم عام (لباس) و اسم خاص (ردا) در ترجمه نیز، به شرح پیشنهادی رعایت شود.

۳۷. تَرَكَ الذَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ.^(۲)
ترجمه قطب‌الدین:

Not sinning is easier than seeking **pardon**.

معنا: ترک گناه آسان‌تر از طلب عذر / عفو / بخشش است.

ترجمه پیشنهادی:

Not sinning is easier than seeking **repentance**.

معنا: ترک گناه آسان‌تر از طلب توبه است.

شرح و توضیح: وقتی معادل اصطلاحی دینی و عبادی در زبان مقصد وجود دارد، بهتر است هنگام ترجمه از معادل استعمال شده در کتب مذهبی و... استفاده شود. در اینجا واژه «توبه» اصطلاحی است دینی و عبادی که به کرات در قرآن کریم و سایر کتب آسمانی آمده و لذا شایسته است در ترجمه از معادل رایج استفاده شود.

۱. خطبه ۲۷؛ ص: ۱۴۷.

۲. کلمات قصار؛ ۱۵۴؛ ص: ۷۲۹.

۳۸. فَاتَلِكُمْ اللهُ. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

May God **attack** you!

معنا خدا با شما جنگ و پیکار کند.

ترجمه پیشنهادی:

May God **destroy / kill** you!

معنا: خدا شما را بکشد / نیست و نابود گرداند.

شرح و توضیح: اگرچه فعل «فَاتَلَّ» از مصدر مُقَاتَلَه / قِتَال، به معنای جنگ و پیکار کردن است - که مترجم محترم نیز قائل به همین معنا شده و ترجمه خود را بر پایه همین معنا ارائه داده است - لیکن با نگاهی به شروح کتاب می‌توان دریافت که مضمونی نفرین‌آمیز به معنای «خدا شما را بکشد / نیست و نابود گرداند» دارد. همچنین شبیه این عبارت در قرآن کریم نیز به صورت «فَاتَلَهُمُ اللهُ أَنْتَى يُؤْفَكُونَ»^(۲) به کار رفته است که مراجعه به ترجمه‌های متعدد انگلیسی قرآن کریم، می‌تواند راهنمای خوبی برای ترجمه صحیح آن باشد.

۳۹. وَالسُّبْقَةُ الْجَنَّةُ وَالْغَايَةُ النَّارُ. (۳)

ترجمه قطب‌الدین:

its **goal** is paradise, or its end hellfire

معنا: مقصد آن بهشت و یا پایانش آتش جهنم است.

ترجمه پیشنهادی و دقیق‌تر:

its **prize** is paradise, or its end **is** hellfire

معنا: جایزه آن بهشت و یا پایانش آتش جهنم است.

۱. خطبه ۲۷؛ ص: ۱۴۹.

۲. التوبة: ۳۰.

۳. خطبه ۲۷؛ ص: ۱۴۹.

شرح و توضیح: مترجم محترم که زحمت تحقیق و تصحیح متن عربی نهج البلاغه حاضر را نیز کشیده است، در متن، با گذاشتن اعراب روی کلمه «السُّبْقَةُ»، آن را از میان دیگر نسخه‌ها بدل‌ها ترجیح داده و انتخاب کرده است. با مراجعه به فرهنگ‌های زبان عربی، معنای ذیل برای سُبْقَه حاصل می‌شود: «السُّبْقَةُ بِالضَّمِّ: الْخَطَرُ الَّذِي يُوضَعُ بَيْنَ أَهْلِ السَّبَاقِ، كَمَا فِي الصِّحَاحِ وَفِي التَّهْدِيدِ»^(۱) شریف رضی نیز در توضیح این کلمه می‌نویسد: «السُّبْقَةُ بِضَمِّ السِّينِ عِنْدَهُمْ: اسْمٌ لِمَا يُجْعَلُ لِلْسَّابِقِ، إِذَا سَبَقَ مِنْ مَالٍ أَوْ عَرَضٍ»^(۲). یعنی جایزه‌ای که برای برنده مسابقه تعیین می‌گردد.^(۳) همچنین شریف رضی خود در ادامه توضیح می‌دهد که استعمال لفظ «السُّبْقَةُ» برای بهشت و «الغایة» برای جهنم در کمال فصاحت و بلاغت و فخامت لفظ و معناست، زیرا استفاده از لغت «جایزه» برای امر نامطلوب و نامحسوس مانند «جهنم» درست نیست و نمی‌توان این دو واژه را لفظاً و معنأً به جای یکدیگر به کار برد.^(۴) لذا بنا بر قاعده فوق، ترجمه «السُّبْقَةُ» به goal که همان معنای واژه «الغایة» است، صحیح نمی‌نماید و بهتر است به جای آن، معادل دقیق‌تر کلمه به شرح پیشنهادی در ترجمه مورد استفاده قرار گیرد.

۴۰. وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَأَنِّي نَاصِرًا.^(۵)

ترجمه قطب‌الدین:

I place my trust in him - he suffices and sustains.

۱. تاج العروس ۲۵: ۴۳۰.

۲. نهج البلاغة: ۸۹؛ شرح ابن ابی الحدید ۲: ۹۲.

۳. فرهنگ جامع کاربردی فرزاد (عربی به فارسی) ۳: ۱۴۸۰.

۴. ومن أعجبه قوله عليه السلام: «ألا وإن اليوم المضمَرُ وغدا السَّبَاقُ، والسُّبْقَةُ الْجَنَّةُ وَالغَايَةُ النَّارُ»، فإن فيه مع فخامة اللفظ، وعظم قدر المعنى، وصادق التمثيل وواقع التشبيه، سرًا عجيبًا، ومعنى لطيفًا، وهو قوله عليه السلام: «السُّبْقَةُ الْجَنَّةُ وَالغَايَةُ النَّارُ»، فخالف بين اللفظين لاختلاف المعنيين، ولم يقل السُّبْقَةُ النَّارُ كما قال: «السُّبْقَةُ الْجَنَّةُ» لأن الاستباق إنما يكون إلى أمر محبوب وغرض مطلوب، وهذه صفة الجنة، وليس هذا المعنى موجودًا في النار، نعوذ بالله منها! فلم يجز أن يقول: «السُّبْقَةُ النَّارُ» بل قال: «والغاية النار»، لأن الغاية قد ينتهي إليها من لا يسره الانتهاء إليها، ومن يسره ذلك فصلح أن يعبر بها عن الأمرين معًا، فهي في هذا الموضع كالمصير والمال، قال الله تعالى: ﴿قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِن مَّصِيرِكُمْ إِلَى النَّارِ﴾ (إبراهيم: ۳۰)، ولا يجوز في هذا الموضع أن يقال: «فإن سَبَقْتُمْ (بسكون الباء) إلى النار». فتأمل ذلك فباطنه عجيب، وغوره بعيد لطيف، وكذلك أكثر كلامه عليه السلام. (نهج البلاغة: ۸۸-۸۹؛ شرح ابن ابی الحدید ۲: ۹۲).

۵. خطبه ۸۰؛ ص: ۲۰۵.

معنا: و بر او توکل می کنم که کفایت کننده و حفظ کننده است.

ترجمه پیشنهادی:

I place my trust in him - he suffices and **helps**.

معنا: و بر او توکل می کنم که کفایت کننده و یاری دهنده است.

شرح و توضیح: «ناصر» به معنای یاری دهنده و کمک کننده است و ترجمه آن به sustains به معنای حفظ کننده دور از رعایت امانت در ترجمه می باشد.

۴۱. حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ فَلَا يُدْعَوْنَ رُكْبَانًا.^(۱)

ترجمه قطب الدین:

They have been carried to their graves but cannot be called **wayfarers**.

معنا: آنها را بسوی قبرهایشان می برند درحالی که دیگر آنها را مسافر نمی خوانند.

ترجمه پیشنهادی:

They have been carried to their graves but cannot be called **riders**.

معنا: آنها را به سوی قبرهایشان می برند در حالی که سوارانشان [سوار بر مرکب] نمی خوانند.

شرح و توضیح: «رکبان» جمع «راکب» به معنای سوار بر مرکب است. مترجم محترم در برگردان این کلمه از واژه wayfarers استفاده کرده است: Wayfarer is a traveler, especially one who travels by foot (Websters) که به معنای «مسافرت با پای پیاده» است؛ باری، با توجه معنای ذکر شده در فرهنگ لغات زبان انگلیسی، صرف نظر از اشتباه بودن ترجمه «رکبان» به «مسافر»، همان گونه که گفته شد اصلاً این واژه به معنای مسافری است که پیاده طی طریق می کند و دقیقاً معنایی مخالف با «سواره» دارد، در حالی که در متن از مُردگانی سخن رفته که روی تابوت به سوی گورستان حمل می شوند. با عنایت به دو نکته فوق به نظر می رسد اصلاح ترجمه به شرح پیشنهادی وافی به مراد گوینده باشد.

۴۲. أَمْ هَلْ تَرَاهُ إِذَا تَوَفَّى أَحَدًا؟^(۱)

ترجمه قطب‌الدین:

Or see him when he **takes** someone **away**?

معنا: آیا او را می‌بینید هنگامی که کسی را با خود می‌برد؟

ترجمه پیشنهادی:

Or see him when he **takes** someone's **soul** away?

معنا: آیا او را می‌بینید هنگامی که کسی را قبض روح می‌کند؟

شرح و توضیح: فعل *takes someone away* به معنای «کسی را با خود بردن» است؛ در حالی که در هنگام مرگ، جسم فرد جایی نمی‌رود، و تنها روح و جان اوست که توسط ملک‌الموت قبض شده و به عالم بالا منتقل می‌شود.

۴۳. وَجَدُوا حُومًا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ شَرِبًا وَبِيئًا.^(۲)

ترجمه قطب‌الدین:

They pour **pestilence** into the water between them and **us**.

معنا: آنها طاعون را به آب میان ما و خود ریختند.

ترجمه پیشنهادی:

They pour **cholera** into the water between **themselves and me**.

They infected the water between themselves and me with cholera.

معنا: آنها آب موجود در میان من و خودشان را و با آلود کردند.

شرح و توضیح: واژه «وَبِيئًا» از مصدر «وَبَّ أ»^(۳) و صفت «شرب» به معنای «آب آلوده به وبا» می‌باشد. اگرچه در گذشته به این بیماری طاعون نیز گفته می‌شده، امروزه بین این دو بیماری تفاوت بسیاری وجود دارد و لذا شایسته است در ترجمه، معادل دقیق‌تر کلمه

۱. خطبه ۱۰۸؛ ص: ۲۸۱.

۲. خطبه ۱۶۰؛ ص: ۳۶۹.

۳. لسان العرب ۱: ۱۸۹.

وبا یعنی cholera مورد استفاده قرار گیرد. دودِیگر اینکه عبارت «بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ» به «بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ» ترجمه شده است.

۴۴. وَوَطَأَتْهَا زَلْزَالٌ^(۱).

ترجمه قطب‌الدین:

her step causes earthquakes.

معنا: قدم / گامش موجب زلزله می‌شود.

ترجمه پیشنهادی:

her step is shaky.

معنا: قدم / گامش لرزان است.

شرح و توضیح: این فرمایش امام در وصف سستی و بی‌پایگی و ناپایداری دنیا است و لذا برای دنیا صفاتی را برمی‌شمارد که ظاهر و باطن آنها متضاد با یکدیگر است، مانند اینکه: «عِزُّهَا ذُلٌّ، وَجِدُّهَا هَزْلٌ، وَعُلُوُّهَا سُفْلٌ» دنیا سرایی است که عزتش خواری و جدیش شوخی و بلندی آن پستی است. حال درباره عبارت مورد بحث یعنی «وَوَطَأَتْهَا زَلْزَالٌ» نیز باید همین قاعده را در نظر گرفت، یعنی دنیا سرایی است که گامش [که باید محل استواری و استحکام باشد]، سست و لرزان است. شارحان نهج البلاغه نیز به تضاد و طباق بین صفات توجه داشته و در شروع خود چنین نوشته‌اند: «وَوَطَأَتْهَا زَلْزَالٌ» أي موضع قدمها متحرک غیر ثابت.^(۲) «وَوَطَأَتْهَا زَلْزَالٌ»: أي سکونها حركة.^(۳) با توجه به موارد فوق اصلاح ترجمه به شرح فوق پیشنهاد می‌شود. مترجمان فارسی نهج البلاغه نیز این عبارت را به «جای پای آن متحرک و غیر ثابت است»^(۴) و «گامش لرزان است»^(۵) ترجمه کرده‌اند.

۱. خطبه ۱۸۹؛ ص: ۴۳۹.

۲. منهاج البراعة ۱۱: ۲۵۵.

۳. منهاج البراعة (قطب راوندی) ۲: ۲۲۴.

۴. ترجمه فیض الاسلام: ۸۹۶.

۵. ترجمه حسین استادولی: ۶۷۱.

۴۵. وَاللّٰهُ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذْهَىٰ مِنِّي وَلَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَيَفْجُرُ. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

By God, Mu'āwiyah is not more astute than I, but he deceives and **lies**.

معنا: به خدا قسم معاویه زیرک‌تر از من نیست، بلکه نیرنگ‌باز و دروغگو است.

ترجمه پیشنهادی:

By God, Mu'āwiyah is not more astute than I, but he deceives and **commits sin**.

معنا: به خدا قسم معاویه زیرک‌تر از من نیست، بلکه نیرنگ‌باز و گناهکار است.

شرح و توضیح: فعل «يَفْجُرُ» به معنای گناه کردن است. اگرچه دروغ‌گویی هم نوعی گناه است، ولی بهتر است در ترجمه، معادل صحیح و دقیق‌تر فعل مورد استفاده قرار گیرد.

۴۶. وَلَوْلَا كِرَاهِيَةُ الْغَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَذْهَىٰ النَّاسِ. (۲)

ترجمه قطب‌الدین:

If I did not **abhor deception**, I would be the most cunning of people.

معنا: اگر من از خیانت و نیرنگ‌تنفر نداشتم / متنفر نبودم، هر آینه از زیرک‌ترین مردمان بودم.

ترجمه پیشنهادی:

If **deception was not hideous**, I would be the most cunning of people.

معنا: ... اگر کراهت و ناپسندی نیرنگ نبود، هر آینه از زیرک‌ترین مردمان بودم.

شرح و توضیح: در متن نهج البلاغه سخنی از تنفر حضرت در میان نیست، بلکه تنها به حقیقتی اشاره دارد که همانا ناپسندی نیرنگ و فریب است. بنابراین اصلاح ساختار دستوری و نحوی جمله و حذف فعل متنفر بودن، می‌تواند در ارائه ترجمه‌ای صحیح و دقیق بسیار کارساز باشد.

۱. خطبه ۱۸۹؛ ص: ۴۳۹.

۲. خطبه ۱۸۹؛ ص: ۴۳۹.

۴۷. وَلِكِنَّ كُلَّ عَدْوَةٍ فَجْرَةٌ، وَكُلُّ فَجْرَةٍ كُفْرَةٌ. (۱)

ترجمه قطب‌الدین:

But every act of deception is a **lie**, every **lie** is an act of unbelief.

معنا: ولی هر نیرنگی دروغ است و هر دروغی کفر است.

ترجمه پیشنهادی:

But every act of deception is a **sin**, every **sin** is an act of unbelief.

معنا: ولی هر نیرنگی گناه است و هر گناهی کفر است.

شرح و توضیح: همانند مورد شماره ۴۶، مترجم محترم در ترجمه واژه «فَجْرَةٌ»، به معنای «گناه»، آن را به «دروغ» تقلیل داده است. شایسته است در این مورد نیز معادل دقیق مورد استعمال قرار گیرد.

۴۸. فَإِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا. (۲)

ترجمه قطب‌الدین:

We are **beholden** only to our Lord and all people are **beholden** to us.

معنا: ما مدیون / زیر بار منت پروردگار خویشیم و از آن پس، مردم مدیون / زیر بار منت ما هستند.

ترجمه پیشنهادی:

We are **protégé** only to our Lord and all people are **protégé** to us.

معنا: ما دست‌پروردگان پروردگار خویشیم و از آن پس، مردم دست‌پروردگان ما هستند.

شرح و توضیح: واژه «صنائع» جمع «صنیع» و «صنیعة» است. ابن منظور درباره معنای آن می‌نویسد: «وَفَلَانٌ صَنِيعَةٌ فَلَانٍ وَصَنِيعٌ فَلَانٍ إِذَا اصْطَنَعَهُ وَأَدَّبَهُ وَخَرَّجَهُ وَرَبَّاهُ». (۳) بنابراین این واژه معنای «تربیت‌یافته» و «دست‌پرورده» می‌دهد. (۴) مترجم محترم واژه beholden را

۱. خطبه ۱۹۸؛ ص: ۴۷۹.

۲. نامه ۲۸؛ ص: ۵۶۵.

۳. لسان العرب ۸: ۲۱۲.

۴. فرهنگ جامع کاربردی فرزاد (عربی به فارسی) ۳: ۱۷۰۳.

در ترجمه خویش به کار برده‌اند که معنایی غیر از معنای مورد نظر گوینده دارد. مترجمان فارسی نهج البلاغه نیز «صنائع» را به «تربیت یافته»^(۱)، «پرورده»^(۲) و «دست پرورده»^(۳) ترجمه کرده‌اند.

۴۹. وَلَعَمْرُ لِلَّهِ^(۴)

ترجمه قطب‌الدین:

God's life.

معنا: قسم به حیات / زندگی خداوند!

ترجمه پیشنهادی:

By God's eternity / permanence.

معنا: قسم به جاودانگی / سرمدیت خداوند!

شرح و توضیح: اگرچه واژه «عمر» به معنای زندگانی است، لیکن در ترجمه این سوگند باید توجه داشت که در مورد دیگران این قسم (مثلاً لَعَمْرُكَ) به معنای «به جان تو سوگند» یا «قسم به جان تو» است، لیکن وقتی به ذات باری تعالی اضافه شود، معنای آن اندکی تفاوت پیدا می‌کند؛ ابن‌منظور به نقل از جوهری در این خصوص می‌نویسد: «وقال الجوهری: معنی لَعَمْرُ اللَّهِ وَعَمَرَ اللَّهُ: أَحْلَفُ بِبِقَاءِ اللَّهِ وَدَوَامِهِ»^(۵)، بنابراین شایسته است ترجمه مطابق معنای دقیق عبارت اصلاح شود.

۵۰. وَأَعْلَمُ يَقِينًا أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمَلَكَ وَلَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ وَأَنَّكَ فِي سَبِيلٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ^(۶).

ترجمه قطب‌الدین:

Know this with full certainty: Your path is the path of those before you, and you will not achieve your long hopes and surpass your allotted lifespan.

۱. ترجمه فیض الاسلام: ۸۹۶.

۲. ترجمه سید جعفر شهیدی: ۲۹۲.

۳. ترجمه حسین استادولی: ۹۲۱.

۴. نامه ۲۸؛ ص: ۵۶۹.

۵. لسان العرب ۱۰: ۶۰۱؛ الصحاح: ۷۵۶.

۶. نامه ۳۱؛ ص: ۵۸۷.

ترجمه پیشنهادی:

Know this with full certainty: You will not achieve your long hopes and surpass your allotted lifespan because your path is the path of those before you.

شرح و توضیح: در ترجمه، جای مقدمه و نتیجه جابجا شده و ترتیب جملات درست نیست. گاه عدم توجه به ترتیب عبارات مانند مقدمه و نتیجه در یک جمله، موجب شکل گیری تفاوت های معنایی مهمی در ترجمه می شود. چه بسا تقدیم و تأخیر یک کلمه یا عبارت، موجب افاده حصر و تولید معانی اضافی بر معنای ظاهری جمله شود که در نحو عربی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۵۱. لَا يُعَابُ الْمَرْءُ بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ، إِنَّمَا يُعَابُ مِنْ أَخْذِ مَا لَيْسَ لَهُ. (۱)

ترجمه قطب الدین:

Don't condemn the man who delays in securing what belongs to him ...

معنا: آدمی را بدان خاطر که حقش را دیر بگیرد، مورد عیب جویی قرار مده!

ترجمه پیشنهادی:

Should not be condemned the man who delays in securing what belongs to him ...

معنا: آدمی را بدان خاطر که حقش را دیر بگیرد، مورد عیب جویی قرار نمی دهند.

شرح و توضیح: در ترجمه، فعل «لَا يُعَابُ»، به صیغه معلوم و امر ترجمه شده است، در حالی که باید به صیغه مجهول و غایب ترجمه شود.

۵۲. اللَّجَاجَةُ تَسْلُ الرَّأْيَ. (۲)

ترجمه قطب الدین:

Hostility robs one of judgment.

معنا: ستیزه / دشمنی موجب سلب رأی شخص می شود.

۳۹۲

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

۱. کلمات قصار ۱۵۰؛ ص: ۷۲۹.

۲. کلمات قصار ۱۶۳؛ ص: ۷۲۹.

ترجمه پیشنهادی:

Obstinacy robs /destroys one of judgment.

معنا: لجاجت اندیشه و رأی درست را نابود می‌کند.

شرح و توضیح: معنای مصدر «اللَّجَاجَةُ» به معنای «لج کردن»، روشن و معادل آن در زبان انگلیسی Obstinacy است. همچنین برای فعل «تَسَلُّ» نیز که از «سَلَّ يَسْلُ سَلًّا» به معنای «در ربودن» است،^(۱) می‌توان علاوه بر فعل rob از destroy نیز بهره برد.

نتیجه‌گیری

کتاب شریف نهج البلاغه، اثری است گران سنگ و بس ذی قیمت. این دومین کتاب مذهبی شیعیان پس از قرآن کریم است که شامل قطعاتی از سخنان و نامه‌های حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است که شریف رضی با هدف جمع‌آوری مجموعه‌ای از گزیده سخنان حضرت که جنبه بلاغت و فصاحت در آنها برجستگی و نمود بیشتری داشته باشد، آنها را با معیار بلاغت تدوین کرده است و شامل تمام خطب، نامه‌ها و سخنان گهربار ایشان نمی‌شود. از این رو ترجمه این اثر سترگ همواره به مثابه اقدامی فرهنگی و مذهبی فراروی نظر مترجمان قرار داشته است؛ وجود ترجمه‌های فراوان از این اثر به زبان‌های گوناگون و دریای تحقیقات و تحلیل‌ها و رساله‌ها درباره نهج البلاغه خود شاهدی گویا بر این مدعاست.

در این میان ترجمه فاخر، ممتاز و پاکیزه سرکار خانم دکتر طاهره قطب‌الدین جایگاهی بس ارجمند در بین ترجمه‌های انگلیسی نهج البلاغه دارد که با در نظر گرفتن تحقیق و تصحیح متن عربی کتاب از روی ۱۴ نسخه خطی کهن، ارزش آن دوچندان شده است.

باری، هدف از نگارش این مقاله در وهله نخست، ارج‌گذاری و احترام به مقام علمی ایشان و معرفی این تلاش ارزنده و قابل ستایش، به جامعه علمی و علاقه‌مندان، طلاب و دانشجویان بود. در کنار این رسالت، پس از بررسی مختصری که روی سه خطبه مشخص و تعدادی از صفحات به‌طور تصادفی صورت گرفت، مواردی به عنوان انتقاد و

۱. الصحاح: ۱۷۳۱.

پیشنهاد مطرح شده است که اصلاح آنها می‌تواند در متمیم فواید فراوان اثر حاضر سودمند باشد.

در پایان یادآور می‌شود اگرچه اثر حاضر به واقع ترجمه‌ای فاخر و ارزشمند از کتاب شریف نهج البلاغه است که تا حد زیادی می‌توان با آسودگی خاطر به ترجمه استوار آن مراجعه کرد، با عنایت به برخی اشکالات فنی و اساسی - که در این مقاله به برخی از آنها اشاره شده - و لزوم اصلاح آنها، پیشنهاد می‌گردد این ترجمه با کمک گروهی مسلط به زبان‌های عربی و انگلیسی و به‌ویژه اصطلاحات تخصصی اسلامی، مورد بازبینی دقیق قرار بگیرد تا ترجمه‌ای عاری از اشکالات جدی، به خوانندگان و جامعه دانشگاهی جهان عرضه شود. و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

منابع و مآخذ

- اختیار مصباح السالكين؛ كمال الدين ميثم بن علي بن ميثم البحراني (المتوفى ٦٧٩هـ)، تحقيق: الدكتور محمد هادي الأميني، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، إيران، الطبعة الأولى، ١٤٠٨.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ الشيخ محمد باقر المجلسي، تحقيق لجنة من العلماء؛ الطبعة الثالثة المصححة، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ١٤٠٣هـ/١٩٨٣م.
- بهبج الصباغة في شرح نهج البلاغة، العلامة الحاج الشيخ محمد تقي التستري، تحقيق مؤسسة نهج البلاغة، دار أمير كبير للنشر، طهران، الطبعة الأولى ١٣٧٦هـ/١٤١٨ش.
- تاج العروس من جواهر القاموس؛ السيد محمد مرتضى الحسيني الزبيدي، تحقيق لجنة من العلماء بإشراف عبدالستار أحمد فراج، إبراهيم السامرائي، محمد بهجة الأثري؛ مطبعة حكومة الكويت، الطبعة الثانية، ١٤٠٧هـ/١٩٨٧م.
- تلخيص الشافي، الشيخ الطائفة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي، تحقيق السيد حسين بحر العلوم، مؤسسة المحبين، قم، الطبعة الأولى، ١٣٨٢ش.
- الجدول في اعراب القرآن وصرفه وبيان، محمود صافي، دار الرشيد، مؤسسة الإيمان، بيروت، الطبعة الثالثة، ١٤١٦/١٩٩٥م.
- الجواهري في العيون من أشعاره، محمد مهدي الجواهري، تقديم الدكتورة نجاح العطار، دار طلاس للدراسات والترجمة والنشر، سوريا، دمشق، الطبعة الرابعة، ١٩٩٨م.
- حدائق الحقائق في شرح نهج البلاغة، للعلامة قطب الدين الكيدري البيهقي، تحقيق الشيخ عزيز الله العطاردي، مؤسسة نهج البلاغة، نشر عطار، طهران، الطبعة الأولى ١٤١٦.
- ديوان الأعشى الكبير ميمون بن قيس، تحقيق الدكتور محمد حسين، مكتبة الآداب بالجمايز، المطبعة النموذجية، القاهرة.
- ديوان امرئ القيس وملحقاته؛ بشرح أبي سعيد الشكري (المتوفى سنة ٢٧٥هـ)، دراسة و تحقيق د. أنور عليان أبوسويلم، د. محمد علي الشوابكة؛ مركز زايد للتراث والتاريخ، دولة الإمارات العربية المتحدة، العين، الطبعة الأولى، ١٤٢١هـ/٢٠٠٠م.
- شرح ديوان الأعشى الكبير، ميمون بن قيس، تحقيق الدكتور حنا نصر الحتي، دار الكتاب العربي، بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٢/١٩٩٢م.
- شرح نهج البلاغة: لعز الدين عبد الحميد بن محمد بن أبي الحديد المعتزلي (المتوفى ٦٥٦هـ)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء الكتب العربية، الطبعة الأولى، ١٣٧٨هـ.
- شرح نهج البلاغة؛ كمال الدين ميثم بن علي بن ميثم البحراني (المتوفى ٦٨٩هـ)، دار الثقلين، بيروت، لبنان، الطبعة الأولى، ١٤٢٠/١٩٩٩م.

- الصَّحاح تاج اللغة و صحاح العربية؛ إسماعيل بن حمّاد الجوهري، تحقيق أحمد عبد الغفور عطار؛ دارالعلم للملایین، الطبعة الثانية، بیروت، ۱۳۹۹هـ/۱۹۷۹م.
- الظّراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول؛ الإمام اللغوي الأديب السيد علي بن أحمد بن محمّد معصوم الحسيني المعروف بـ «ابن معصوم» (المتوفى ۱۱۲۰هـ)، تحقيق مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، فرع مشهد، الطبعة الأولى، مشهد، ۱۴۲۶هـ.
- طرف من الأبناء والمناقب في شرف سيد الأئبياء، للسيد رضي الدين أبي القاسم علي بن موسى بن جعفر بن طاووس الحسيني، تحقيق الشيخ قيس العطار، منشورات تاسوعاء، مشهد، الطبعة الأولى، ۱۴۲۰هـ.
- عيون أخبار الرضا: لأبي جعفر محمّد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (المتوفى ۳۸۱هـ)، تحقيق: الشيخ حسين الأعلمي، بيروت، مؤسسة الأعلمي، الطبعة الأولى، ۱۴۰۴هـ.
- فرهنگ جامع کاربدي فرزان (عربی به فارسی)، پرویز اتابکی، نشر فرزان روز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- فرهنگ کوچک حییم (فارسی - انگلیسی)، سلیمان حییم، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی یهودا بروخیم و پسران، ۱۳۵۵ (۲۵۳۵).
- فرهنگ لغات و اصطلاحات اسلامی، دکتر محمد علی مختاری اردکانی، انتشارات خدمات فرهنگی کرمان، کرمان، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- فرهنگ معاصر کیمیا (فارسی - انگلیسی)، کریم امامی، چاپ هفتم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰.
- فرهنگ معاصر هزاره؛ علی محمد حق شناس، حسین سامعی، نرگس انتخابی، چاپ بیست و پنجم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۲.
- فرهنگ واژگان مذهبی، حسن رضایی باغ بیدی، تهران، انتشارات بهارستان، چاپ اول، بهار ۱۳۷۰.
- لسان العرب؛ ابن منظور الأفريقي المصري، تحقيق أحمد فارس صاحب الجوانب؛ دار صادر، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۳۰۰هـ.
- معارج نهج البلاغة؛ علي بن زيد البيهقي الأنصاري، تحقيق أسعد الطيب، بوستان کتاب قم، قم، الطبعة الأولى، ۱۳۸۰/۱۴۲۲ش.
- منبع شناسی ترجمه های نهج البلاغه به زبان های غیر عربی، پیمان اسحاقی، فصلنامه امامت پژوهی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰.
- منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، حبيب الله الهاشمي الخوئي، تحقيق السيد إبراهيم الميانجي، حسن حسن زاده آملی، محمد باقر الكمره اي، مكتبة الإسلامية بطهران، الطبعة الرابعة، ۱۳۹۸هـ.

منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، لقطب الدين أبي الحسين سعيد بن هبة الله الراوندي، تحقيق السيد عبد اللطيف الكوهكمري، منشورات مكتبة آية الله المرعشي العامة، قم، ۱۴۰۶ هـ.
نهج البلاغة؛ حقه و ضبط نصه على أربع نسخ خطية قديمة الشيخ قيس بهجت العطار؛ دار زين العابدين، قم، الطبعة الأولى، ۲۰۲۳ م.
نهج البلاغه، ترجمه سيد جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۹.
نهج البلاغه، ترجمه و شرح علی نقی فیض الاسلام، تهران، ۱۳۹۲ هـ ق/ ۱۳۵۱ ش.
نهج البلاغه، مترجم و ویراستار حسین استادولی، بنیاد نهج البلاغه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷
واژه نامه ادیان، دکتر عبدالرحیم گواهی، ویراسته بهاءالدین خرمشاهی، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

